

## کرامت زن در گستره احکام اسلام

### بلوغ

#### زهرا آیت اللهی

از آنجایی که بحث بلوغ مقارن با تکلیف است و آغاز ورود در حریم تکلیف الهی اثبات بلوغ است تعیین حدود و امارات و نشانه‌های بلوغ و تبیین مرز آن از ضروری‌ترین بحثها می‌باشد. مدتی است که به عناوین مختلف، تبصره ماده 1210 و طرح سن 9 سال برای بلوغ دختر و الزام او به تکالیف اجتماعی در این سن، به طور عام و حداقل سن ازدواج در 9 سالگی، به طور خاص، مورد سؤال قرار گرفته است. ماده 1041 ق.م می‌گوید: "نکاح قبل از بلوغ ممنوع است" و مقصود از بلوغ در تبصره 1 ماده 1210 ق.م چنین بیان شده است: "سن بلوغ در پسر 15 سال تمام قمری و در دختر 9 سال تمام قمری است."

با مراجعه به منابع و تحقیقات انجام شده در موضوع مذکور سعی در استیفای مطالب به نحو اتم شده است. که نگاهی گذرا بر فهرست منابع، روشنگر وسعت کار خواهد بود. اما به علت ضرورت اختصار، چکیده مباحث ارائه می‌گردد.

امید آنکه، این تلاش مورد قبول خداوند قرار گیرد و روشنگر برخی ابهامات در موضوع مورد بحث باشد.

#### فهرست آیات و روایات

مجموع آیات و روایاتی که در ارتباط با بحث بلوغ مطرح گردیده عبارتند از:

آیات 58 و 59 سوره نور، 6 نساء، 153 انعام، 34 اسراء، 22 یوسف، 82 کهف، 5 حج، 13 قصص، 67 غافر، 15 احقاف؛

روایات 9 سال (حداقل 21 روایت)؛

وسائل ج 1 ص 43، ج 18 ص 411، ج 20 ص 101، 102، 103، 104، 274، 278، 493، 494، ج 19 ص 365، ج 21 ص 85، 36، ج 22 ص 179، 183، ج 28 ص 197، ج 29 ص 282؛

روایت 7 سال (یک روایت)؛

وسائل ج 19 ص 212؛

روایات 10 سال (3 روایت)؛

وسائل 1 ص 44، ج 20 ص 103؛

روایت 13 سال (یک روایت)؛

وسائل ج 1 ص 45؛

روایات زمان وقوع حیض (ده روایت)؛

وسائل ج 2 ص 558، ج 4 ص 405، 408، 409، 411، ج 11 ص 45، ج 20 ص 237، 228، ج 28 ص 295؛

روایاتی که اشاره به بلوغ جنسی دختر دارد (6 روایت)؛

وسائل ج 4 ص 406، ج 20 ص 277، 278، 282، 319؛

هفت روایت اشاره به بلوغ جنسی در دختر و پسر دارد؛

سه روایت بیان می‌کند که توان جسمانی شرط در وجوب روزه است؛

چهار روایت بیان می‌کند رشد شرط در معاملات است؛

یازده روایت دلالت بر این دارد که همه تکالیف فردی و اجتماعی در زمان واحد واجب می‌گردد؛

وسائل ج 1 مقدمه العبادات ح 7 ص 43، 45، ج 3 ص 10، ج 17 ص 361، ج 19 ص 363، 365، 367، ج 20 ص

278، ج 21 ص 36، ج 28 ص 197 مستدرک ج 1 ص 87.

مستفاد از آیات و روایات:

آنچه در آیات درباره تکالیف به آن اشاره شده، زمان جواز تصرف در اموال از هنگام بلوغ نکاح و زمان ثبوت رشد فرد می‌باشد؛ هر چند در روایات بحثهایی پیرامون سند و دلالت آنها وجود دارد ولی با فرض امکان استناد به آنها، می‌توان

مطالب مذکور را در روایات بدین گونه دسته‌بندی نمود:

## روایات 9 سال

حداقل 21 روایت وجود دارد که سند حدود ده عدد از آن روایت‌ها صحیح می‌باشد؛ در صورتی که منظور از روایات 7 سال و 10 سال نیز همان اتمام 9 سال باشد<sup>(1)</sup>، تعداد این روایات به 24 عدد می‌رسد. البته اگر برخی روایاتی را که دارای مضامین بسیار شبیه به هم ولی با سندهای متفاوت می‌باشند، روایاتی مجزا به حساب آورند، در این صورت، تعداد روایات بیشتر از این خواهد بود.

21 روایت 9 سال به این مطالب اشاره می‌نماید: (با توجه به این مسئله که گاه در یک روایت چند موضوع بیان شده است)

(الف) ده روایت بیان می‌کند که با دختر از 9 سالگی می‌توان ارتباط زناشویی برقرار نمود و اگر مردی با زن خود قبل از 9 سالگی رابطه زناشویی داشته باشد و زن معیوب گردد، مرد ضامن می‌باشد و احکامی علیه مرد اجرا می‌گردد.

(ب) 5 روایت بیان می‌کند که حدود به نفع دختر 9 ساله و علیه او اجرا می‌گردد.

(ج) 4 روایت بیان می‌کند که دختر 9 ساله دیگر کودک محسوب نمی‌شود و 9 سالگی، حد بلوغ دختر است.

البته یکی از این روایات اشاره می‌نماید که دختر 9 ساله تنها اگر ضعیف‌العقل باشد، کودک محسوب می‌شود.

(د) دو روایت بیان می‌کند که از 9 سالگی اعمال نیک و بد دختر ثبت می‌شود و در مقابل گناهان خود مورد عقاب واقع می‌شود.

(ه) یک روایت نیز 9 سال را زمان وجوب فرائض بیان داشته است.

(و) سه روایت بیان می‌دارد که دختر از 9 سالگی می‌تواند در اموال خویش تصرف نماید؛ البته به قرینه آیه و روایات دیگر، مشروط بر آنکه رشد فکری جهت انجام معاملات را داشته باشد.

(ز) دو روایت بیان می‌دارد تا قبل از 9 سالگی، امکان حیض دختر وجود ندارد. یک روایت می‌گوید امکان وقوع حیض از 9 سالگی می‌باشد. دو روایت بیان می‌کند که حکم به حاملگی دختر قبل از 9 سال نمی‌توان کرد لذا عده و استبراء ندارد؛

ح) یک روایت می‌گوید که دختر 9 ساله در ازدواج خویش فریب خورده نمی‌باشد.

ط) یک روایت می‌گوید که دختر اگر قبل از 9 سال توسط ولی خود به عقد ازدواج کسی درآمده باشد، بعد از 9 سالگی می‌تواند به این ازدواج رضایت دهد یا آن را نپذیرد.

روایت 7 سال

این روایت جواز تصرف در اموال را از این سن به بعد بیان می‌کند و وجوب فرایض و اجرای حدود را از این زمان به بعد می‌داند.

روایات 10 سال

در این بخش، سه روایت است که یک روایت می‌گوید از این زمان به بعد دختر فریب خورده محسوب نمی‌شود و دو روایت بیان می‌دارد که با دختر کمتر از 10 سال، نباید رابطه زناشویی برقرار نمود.

روایات وقوع حیض

در این زمینه، ده روایت وجود دارد:

الف) چهار روایت، زمان وجوب حجاب را از زمان وقوع حیض به بعد بیان می‌کند.

ب) چهار روایت، زمان وجوب حجاب در نماز را از زمان وقوع حیض به بعد بیان می‌کند.

ج) دو روایت، زمان وجوب روزه را از این زمان به بعد بیان می‌کند.

د) یک روایت، زمان وجوب حج را از این زمان به بعد بیان می‌کند.

ه) یک روایت می‌گوید که امام معصوم علیه‌السلام، قبل از این زمان، بر دختر حدود را اجرا نکرده‌اند.

روایات بلوغ دختر

در این مورد، پنج روایت آمده است:

الف) یک روایت، وجوب حجاب را در نماز از زمان بلوغ دختر به بعد بیان می‌کند.

ب) سه روایت، وضعیت دختر را در ارتباط با رضایت یا عدم رضایت او نسبت به ازدواج در حال کودکی‌اش بیان می‌کند.

ج) یک روایت می‌گوید که دختر بالغ اگر ازدواج کرد، نمی‌تواند ازدواج خود را نقض کند.

و هفت روایت است که زمان وجوب پرداخت زکات، تصرف در اموال، تصمیم نسبت به ازدواج قبل از بلوغ، ثبت اعمال و اجرای حدود را زمان وقوع بلوغ بیان می‌کند و اشاره‌ای به سن بلوغ نکرده که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.

با بررسی نظرات فقیهان روشن می‌شود:<sup>2)</sup>

1- فقهای امامیه به جز شیخ صدوق در موضوع روزه و حجاب و شیخ مفید در بحث روزه، سن را بعنوان حد بلوغ مطرح نموده‌اند.

2- فقهای امامیه که سن را مطرح کرده‌اند زمان وجوب تکالیف را برای دختر، 9 سالگی بیان داشته‌اند بجز شیخ طوسی و ابن حمزه که در برخی کتابهای خویش، 9 سال و در برخی دیگر ده سال را مطرح کرده‌اند؛ البته اخیراً آیت‌الله صانعی، سن 13 سال را در صورتی که علامت حیض یا رویش موی خشن بر شرمگاه، قبل از آن واقع نشده باشد، زمان وجوب تکالیف ذکر نموده‌اند.

3- آنگونه که صاحب جواهر نیز بیان داشته است: علماء امامیه زمان واحدی را وقت وجوب همه تکالیف دانسته‌اند و بین تکالیف مختلف، عمدتاً تفاوتی را قایل نشده‌اند.

در این موضوع مرحوم فیض کاشانی نظری جداگانه دارد و روزه را در 13 سالگی یا زمان وقوع حیض قبل از 13 سال، حدود را در 9 سالگی واجب شمرده و وصیت و عتق را در ده سالگی جایز دانسته است. در بین فقهای معاصر نیز آیت‌الله معرفت در معاملات (بیع، اجاره، وصیت، عتق، طلاق) سن ده سالگی را به شرط رشد فکری و در حدود شرعی و تعزیرات، رسیدن به حد زنانگی و در تکالیف عبادی (نماز، روزه، حج و ...) سن سیزده سالگی یا حیض را زمان لزوم این تکالیف دانسته‌اند.

4- در بین آیات عظام این روزگار نیز افرادی که با عنوان مرجع تقلید مطرح می‌باشند همگی سن 9 سال را زمان وجوب

همه تکالیف می‌دانند این مراجع عبارتند از: آیات عظام امام خمینی(ره)، خویی(ره)، اراکی(ره)، نجفی مرعشی(ره)، گلپایگانی(ره)، صدر(ره)، فاضل لنکرانی، وحید، شبیری زنجانی، تبریزی، بهجت، مکارم، سیستانی و مقام معظم رهبری آیه‌ا... خامنه‌ای.

دلایل کسانی که به وجوب تکالیف در زمان وقوع حیض معتقدند:

1- آیه، در بیان بلوغ، سن را مطرح نکرده است و اگر "سن"، علامت بود، باید ذکر می‌شد زیرا تأخیر بیان از وقت حاجت، قبیح است.

2- آیه "نساء کم حرث لکم" این معنا را می‌رساند که تا وقتی در زنان بطور طبیعی قابلیت تولید فرزند نباشد، شایسته ازدواج نیستند.

3- از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله روایتی در مورد سن نداریم و به دلیل قبح تأخیر بیان از وقت حاجت، اگر سن بلوغ، تشریح دینی بود باید در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیان می‌شد.

4- ده روایت، زمان حیض را بعنوان زمان وجوب بعضی از تکالیف مطرح کرده است.

5- روایاتی، بلوغ را در برخی از تکالیف بیان نموده است.

6- روایاتی نیز احتلام را مطرح می‌نماید.

7- در روایات مختلف، سن متفاوت بیان شده است (9، 10، 13) پس ملاک، حیض است که نسبت به افراد مختلف، متغیر می‌باشد.

8- قید «ذلک آنها تحیض» در روایتی از احادیث 9 سال، قرینه است بر اینکه ملاک حیض می‌باشد و سن، معیار نیست.

9- قید «اذا تزوجت و دخل بها و لها تسع سنین» دلالت می‌کند بر اینکه در 9 سال رشد جسمانی جهت ازدواج موردنظر است که با حیض، این رشد اثبات می‌گردد.

10- تردید در حدّ سن در روایت امام باقر علیه‌السلام (حدیث 7 از روایت 9 سال) نشانگر آن است که سن تعبدا مطرح

نیست [لایدخل الجاریه حتی یأتی لها تسع سنین او عشره سنین ]

11- در روایاتی که جواز تصرف مالی بر سن خاصی مترتب شده، به صراحت آیات، روایات و فتاوی فقها، برای تصرفات مالی علاوه بر بلوغ، رشد نیز لازم است پس سن در شرایطی فرض شده که کودک، رشید شده است.

12- در یکی از روایات زمان وقوع حیض با اینکه فرد سؤال کننده در مورد سن پرسیده ولی امام علیه السلام می فرماید: "بر دختر از زمانی حج واجب می شود که حیض واقع شده باشد"

13- بلوغ، امری تکوینی است. پس نشانه آن هم باید امری تکوینی باشد که عادت ماهیانه است. این مطلب با بیانی دیگر نقل شده و آن اینکه «سلوک شارع در جعل احکام نسبت به موضوعات خارجی طبیعی تعیین امارات طبیعی می باشد» و همچنین «در مسأله بلوغ، شارع امارات طبیعی چون احتلام و انبات را مطرح نموده است پس این امر که حیض اماره بلوغ باشد، چندان بعید نیست».

14- نشانه بلوغ، باید دایمی باشد یا غالبی و روایات 9 سال با واقعیت خارجی مطابقت ندارد.

15- ازدواج، امری تعبدی نیست زیرا قبل از 9 سال هم برای ولی مشروع می باشد. ازدواج بعنوان امری طبیعی و خارجی به معنای آمادگی جسمی برای ازدواج مطرح شده، پس 9 سال، نشانه حصول این آمادگی یعنی بلوغ می باشد و اصل، بلوغ است نه سن.

\* تعارضی از جهت سن در روایات نیست و اختلاف سن در روایات خود دلیل آن است که 9 سالگی به تنهایی سن بلوغ نیست بلکه روایات قابل جمع هستند بنابر اینکه ظرف وقوع امارات بلوغ باشند.

16- یکی از دلایل معتقدان به سن 9 سال، شهرت است که در ارتباط با شهرت باید توجه داشت به دلیل روایات معارض، اعراض از مشهور موهن نیست.

17- بعد از تعارض و تعادل یا تساقط دو دسته روایات، مرجع کتاب و سنت می باشد که قاعدگی و بلوغ نکاح را میزان بلوغ معرفی کرده اند.

18- آیت الله جناتی می گوید:

علمای شیعه پانزده سال را برای پسر و 9 سال را برای دختر نمایانگر بلوغ دانسته اند در قانون مدنی جمهوری اسلامی

ایران نیز همین مطلب آمده و این، اساس برخی از احادیث است ولی ما از راه قانون تحول اجتهاد با تحول زمان و شرایط و ویژگیهای موضوعات، می‌توانیم بگوییم که حاصل شدن بلوغ در 9 سالگی برای دختران در زمان صدور روایات بود، نه دخترانی که در این زمان هستند زیرا دختران در روزگار امامان معصوم علیهم‌السلام به نشانه‌های بلوغ - که حیض و حمل باشد - در 9 سالگی دست می‌یافتند و اغلب آنها در سن یادشده، عادت ماهانه می‌شدند پس می‌توانیم بگوییم 9 سالگی برای حاصل شدن بلوغ آنها موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد. در آن زمان که 9 سال گفته شد از باب تعیین مصداق بوده است پس معیار و میزان برای پیدایش بلوغ، عادت ماهانه است نه 9 سالگی.<sup>(3)</sup>

19- بسیاری گویند علت آنکه در روایات 9 سالگی زمان بلوغ مطرح شده آن است که در عربستان هوا گرم بوده و در مناطق گرمسیر بلوغ جنسی زودتر واقع می‌شود.

20- برخی گویند لازمه پذیرش قول به 9 سال، کنارگذاشتن روایاتی است که در آن زمان وجوب برخی تکالیف، از هنگام وقوع حیض به بعد بیان شده است.

دلایل وجوب تکالیف دختران از 9 سالگی:

1- بیش از بیست روایت که سند برخی صحیحه و برخی مظنون به صحت می‌باشد.

2- شهرت: با توجه به این امر که مسأله همه‌گیر و عام بوده و نیمی از مسلمانان که دختران و زنان بوده‌اند برای احکام شخصی خود و نیم دیگر که مردان بوده‌اند نیز در امر ازدواج، طلاق، معاملات، ارث و ... لزوماً پی‌گیر مسأله سن بلوغ دختران بوده‌اند، پس به یقین از امام علیه‌السلام زیاد سؤال می‌شده و زیاد جواب بیان شده است و لذا قول مشهور، مطابق نظر معصوم علیه‌السلام بوده است و نمی‌توان پذیرفت امامان معصوم علیهم‌السلام در جواب سؤالی مکرر شیعیان، 13 سال یا زمان وقوع حیض را هنگام وجوب تکالیف بیان کرده باشند ولی فقها همگی رأی به خلاف آن داده‌اند.

3- در صورت تعارض بین روایات، مطابق امر امام صادق علیه‌السلام به «خذبما اشهر بین اصحابک» (آنچه را که بین اصحاب مشهور می‌باشد اخذ کن) باید عمل گردد.

4- برخی در ارتباط با این مسأله که 9 سالگی، سن بلوغ دختران و زمان وجوب همه تکالیف برای آنان است، ادعای اجماع کرده‌اند، مانند ابن ادریس در سرائر، صاحب جواهر، شیخ طوسی و ابن زهره.



5- ما علم اجمالی به یکی از دو حجت داریم.

5-1 یا اجماع فقها بدون استناد به روایات، تحقق یافته (اجماع بر 9 سال و یا حداقل اجماع بر اینکه 13 سالگی، سن بلوغ نیست یا اجماع بر عدم تفکیک بین تکالیف) و خود به عنوان دلیل کاشف و مستقل حجیت دارد.

5-2 یا روایات، مورد استناد فقها بوده که شهرت استنادیه موجب قوت اسناد روایات می‌گردد.

6- دلایل تکالیف، عام است و همه انسانها را شامل می‌شود و دلایل دالّ بر رفع قلم از کودک، کودکان را استثناء کرده در احادیث نیز آمده که در 9 سالگی کودکی از بین می‌رود.

7- روایت یزید کناسی بر این مطلب تصریح دارد که 9 سالگی، سن بلوغ دختر (در امر ازدواج و اقامه حدود) است؛ هرچند دختر در این سن، خون حیض را ندیده باشد. و روایتی که از «حمران» نقل شده نیز بر جواز دخول بعد از 9 سال و قبل از وقوع حیض دلالت می‌نماید. پس در این دو روایت، بر این تصریح شده که سن مطرح است اگر چه دختر حیض نشده باشد.

کسانی که به بلوغ دختر در 9 سالگی اعتقاد دارند، نظر افرادی را که بیان می‌دارند "تکالیف بر دختران از زمان وقوع حیض واجب می‌شود"، قبول ندارند و دلایلی را برای این عدم پذیرش بیان می‌دارند و علاوه بر آن، دلایل این گروه را نیز نقد نموده و دلایل قابل قبولی نمی‌یابند. آنچه از نظرات آنان بدست می‌آید، چنین است:

1- زمان وجوب تکالیف بر افراد، زمان واحدی می‌باشد و نمی‌توان بین تکالیف مختلف، تفکیک قابل شد و هر تکلیف را زمان خاصی لازم دانست این مطلب، مطابق اجماع فقها می‌باشد و هیچ‌یک از متقدمین به تفکیک اعتقاد نداشته است. روایات نیز مؤید این مطلب می‌باشد و عنوان نوشتن خوبی‌ها و بدیها یا اتمام کودکی یا وجوب فرایض در روایات برای زمان واحد، مطرح شده است. لذا تمامی تکالیف فردی و اجتماعی را شامل می‌گردد و عناوین اختصاصی چون جواز ارتباط زناشویی، وجوب بعضی اعمال عبادی، لزوم اجرای حد در زمان واحد نیز جهت تأکید بر همان عناوین کلی می‌باشد.

2- در صورتی که سن را حذف بنماییم و زمان حیض را زمان وجوب تکالیف بدانیم، در مواردی که دختران هرگز حیض نمی‌شوند، آیا هرگز تکلیفی برعهده آنان وجود ندارد؟

3- در صورت وجوب تکالیف در زمان وقوع حیض، آیا مواردی که دختران بلوغ دیررس دارند و موارد نادری هم نمی‌باشد،

واقعا دختر در سن بالا مانند 16 یا 17 سالگی مکلف می‌گردد؟

4- به نظر می‌رسد حکم به اجرای حد بر دختر 10 ساله‌ای که حیض شده و عدم اجرای حکم حد بر دختر 16 ساله‌ای که هنوز حیض نشده با دلایل حدود منافات داشته باشد.

5- در صورت حذف سن و وجوب تکالیف هنگام وقوع حیض، در قوانین اجتماعی خصوصا در قوانین جزایی، جامعه دچار مشکلات فراوان خواهد شد زیرا اطلاع از حیض هر فرد توسط خودش حاصل می‌گردد و یقینا هنگام اجرای حکم حدود یا قصاص یا دیات، مجرم منکر حیض خود خواهد شد و اثبات آن توسط فرد دیگر نیز بسیار مشکل است.

به عنوان مثال دختر 15 ساله‌ای که نیمه‌عریان در خیابان راه می‌رود را نمی‌توان مورد اعتراض قرار داد چرا که ممکن است ادعا کند هنوز حیض نشده و حجاب بر او واجب نیست.

نکته: به دلیل مشکلات موجود در حذف سن، مشاهده می‌شود در قوانین همه کشورها، سن خاصی در مباحث قانون جزا، حقوق مدنی و معاملات مطرح شده و سن امری است که اثبات آن برای دیگران بسیار سهل می‌باشد.

— معتقدان سن 9 سال در جواب دلایل گروهی که وقوع حیض را مطرح می‌نمایند، به ترتیب دلایل مطرح شده، چنین می‌گویند:

1- اگر در آیات، سنی برای بلوغ مطرح نشده است دلیل بر مدعای موردنظر نمی‌باشد چه بسا مسایلی که تمامی مسلمانان اتفاق بر وجوب آن دارند و از مسلمات فقهی مسلمانان است ولی در آیات قرآن با اینکه زمان حاجت آنان بوده، ذکری به میان نیامده است و بیان مطلب به عهده پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و اگذار شده است لذا پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله با گفتار یا عمل خویش، آن موضوع را برای مسلمانان تبیین می‌فرموده‌اند. اگر در قرآن مکررا امر به اقامه نماز شده آیا کیفیت خواندن نماز در اوقات پنجگانه نیز بیان شده است؟ یقینا عصر نزول آیات قرآن، زمان حاجت به بیان کیفیت ادای نماز بوده است مسلمانان نیز هرگز تردیدی در سه رکعتی بودن نماز مغرب یا دو رکعت بودن نماز صبح نداشته‌اند چرا که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله این امر و امور بسیار دیگری را در عمل و گفتار برای مسلمانان روشن می‌نمودند.

2- استثناء به آیه "نساء کم حرث لکم" نیز در اثبات مدعا فایده‌ای نخواهد داشت آیه در مقام بیان مطلبی دیگر است و زمان جواز ازدواج را بیان نمی‌کند. مطابق مدعای این گوینده، زمانی که زنان یائسه شده و دیگر تخمک‌گذاری و در نتیجه قابلیت تولید فرزند ندارند، همگی باید طلاق داده شوند یا ازدواجشان فسخ گردد آیا چنین ادعایی را می‌توان پذیرفت؟

علاوه بر آنکه روایات بسیاری ادعای گوینده در تفسیر آیه مربوطه را نفی می‌کنند.

3- این مطلب که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایتی در مورد سن نداریم نیز دلیل بر اثبات ادعای مربوطه نیست. با گذری اندک بر تاریخ تدوین و نیز نقل حدیث و با توجه به منع کتابت احادیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سالیان طولانی، روشن می‌گردد که در موارد بسیاری با آنکه مسایلی مورد ابتلای مسلمانان بوده، حدیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به دست ما نرسیده است و همگان اذعان دارند که احادیث از دست رفته از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، اندک نیست. زنده کردن آنچه که توسط ائمه علیهم‌السلام بیان می‌شده نیز در حقیقت امری جز زنده کردن سنت نبوی نبوده است. هیچ‌یک از امامان معصوم علیهم‌السلام در صدد نزول شریعتی جدید نبوده‌اند و فقط تبیین شریعت محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله را می‌نمودند. لذا بیش از بیست روایت از ائمه اطهار علیهم‌السلام که سن 9 سال را مطرح می‌نماید، در تفسیر همان شریعت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله آمده است.

احادیثی که توسط امامان مختلف از حضرت علی علیه‌السلام تا امام باقر علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام، امام کاظم علیه‌السلام، امام رضا علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام در بیان سن به دست ما رسیده همگی دلیلی بر این نظر است.

شیعه به دلیل دیدگاه کلامی خویش در ارتباط با علم و عصمت ائمه علیهم‌السلام و جایگاه امامت و وظیفه امت نسبت به امام، هرگز در قوانین، به کتاب خدا و کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که در دسترس باقی مانده، اکتفا نمی‌کند. لذا موارد استناد اکثر احکام فقهی، روایات وارده از امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام می‌باشد که در زمانی می‌زیستند که امکان تبیین اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله وجود داشت. لذا اگر بنا بر آن باشد که روایات این دو معصوم علیهما‌السلام به دلیل آنکه توسط معصومان قبل از ایشان به دست ما نرسیده، قابل عمل نباشد، باید معتقد به تعطیل اکثر احکام فقهی شد.

4- هر چند روایاتی زمان حیض را در تکالیف، مطرح کرده است ولی باید توجه داشت که:

الف) در مجموعه این روایات فقط زمان وجوب روزه، حجاب، حج، منوط به وقوع حیض شده است و سایر تکالیف منوط به وقوع حیض نشده در حدیثی نیز حدّ دختر دزدی که هنوز حیض نشده، اجرا نگردیده است. در بین فقهای متقدم نیز اجماع بر عدم تفکیک زمان وجوب تکالیف بوده است. از طرفی در روایات 9 سال نیز مکرراً زمان وجوب همه تکالیف (با عنوان زمان نوشتن خوبی‌ها و بدی‌ها، زمان اتمام کودکی، حد بلوغ دختر، زمان وجوب فرایض)، 9 سالگی دختر مطرح

شده است.

ب) قرینه "ذلک انها تحيض لتسع سنين" (در حدیث 9 سال) بیان می‌دارد که تکالیف برای دختر از 9 سالگی واجب می‌شود و 9 سالگی، زمان امکان وقوع حیض است (و نه لزوماً زمان وقوع بالفعل آن). احادیث دیگری نیز بیان می‌دارد که 9 سالگی سن امکان وقوع حیض است و قبل از آن سن امکان وقوع حیض (سن من حیض) نیست و این همان مطلبی است که امروزه نیز متخصصان علم پزشکی بیان می‌دارند که زمان وقوع حیض دختران در جهان (و نه در منطقه خاص جغرافیایی)، از 9 سالگی تا 16 سالگی است و اگر قبل از 9 سالگی چنین پدیده‌ای اتفاق افتد به معنای بلوغ زودرس می‌باشد و از نظر علم پزشکی به منزله نوعی عدم سلامت طبیعی فرد تلقی خواهد شد.

ج) روایاتی نیز تصریح بر این امر دارد که در برخی تکالیف، سن 9 سال ملاک است حتی اگر دختر حیض نشده باشد.

5- مراد از روایاتی که بلوغ را در بعض تکالیف مطرح می‌نماید به قرینه روایات دیگر، مشخص می‌گردد. در روایت صریحاً حد بلوغ دختر، 9 سال مطرح شده است.

6- همان‌گونه که بیان شد، به نظر می‌رسد به دلیل کمی احتمال وقوع احتلام در دختران و نیز به دلیل تقابلی که بین حیض و احتلام در متن پاره‌ای از روایات بحث احتلام آمده، مراد از حُلْم در روایات، احتلام در پسران باشد. علاوه بر آن، بحث مفصلی وجود دارد که آیا اساساً احتلام در دختران قبل از ازدواج واقع می‌شود یا خیر و اگر واقع می‌شود، به چه کیفیت است؟

7- برخی متفاوت بیان شدن سن (9، 10، 13) در روایات را دال بر مدعای خود گرفته‌اند که باید گفت:

الف) اگر ملاک، وقوع حیض بود چرا اصلاً سن مطرح شده است؟

ب) مگر ائمه معصوم علیهم‌السلام به تغییر زمان حیض در مکانهای مختلف، زمانهای مختلف و شرایط متفاوت، آگاه نبودند؟ چرا در جواب همه موارد نمی‌فرمودند: «إذا حاضت» و با توجه به اینکه می‌دانستند کلام ایشان برای همه شیعیان در همه اعصار حجت محسوب می‌شود، چرا سن خاص را مطرح کرده‌اند؟ این مسأله امری واضح است که حتی در بین دختران یک شهر و یک فامیل نیز زمان وقوع حیض متفاوت است و مردان عادی با علم معمولی خویش این نکته را می‌دانند چه رسد به امام معصوم علیه‌السلام .

8- برخی قید «ذلک انها تحيض لتسع سنين» را قرینه بر این مسأله گرفته‌اند که حیض ملاک است و سن ملاک

نمی‌باشد، به نظر می‌رسد این استدلال منطقی نباشد زیرا مراد از این روایت، این است که 9 سالگی زمانی است که امکان وقوع حیض وجود دارد و نه اینکه لزوماً حیض می‌گردند. لذا از همان زمان که امکان وقوع حیض می‌باشد، باید دختران به تکالیف خود عمل نمایند. امام صادق علیه‌السلام در روایتی می‌فرماید: «اذا کمل لها تسع سنین امکن حیضها» (هنگامی که 9 سالگی دختر کامل شد امکان حیض او وجود دارد) و همچنین حدیث دیگری که می‌فرماید: «ما لم تبلغ تسع سنین فانها لا تحیض و مثلها لا تحیض» این مطلب را تأیید می‌نمایند.

9- تردید در حدّ سن نیز این ادعا را تأیید نمی‌کند. صاحب "جواهر" می‌گوید: تردید از راوی است و صاحب "وسائل" نیز زیادت را به شیخ طوسی نسبت داده است.

10- اینکه در برخی روایات جواز تصرف مالی بر سن خاص مترتب شده حال آنکه یقیناً رشد نیز لازم است، اثبات نمی‌کند که سن در شرایطی فرض شده است که کودک، رشید گردیده زیرا در این احادیث یکی از شرایط تصرف مالی که بلوغ سنی باشد، ذکر شده و در سایر احادیث شروط دیگر بیان شده است.

11- برخی می‌گویند برای موضوع خارجی طبیعی مانند بلوغ باید نشانه طبیعی تعیین گردد. در جواب عده‌ای می‌گویند: با توجه به اینکه در روایات فراوان، سن خاصی مطرح شده، مشخص می‌گردد که اساساً وجوب تکلیف، منوط به بلوغ جنسی نیست تا نشانه آن هم امری تکوینی باشد و باید توجه داشت که لفظ بلوغ در کلام فقها، به معنای ابتدای زمان وجوب تکالیف است حال آنکه لفظ بلوغ در کلام پزشکان و ... به معنای زمان ظهور علایم ثانویه جنسی می‌باشد و در حقیقت این لفظ با دو معنای متفاوت به کار می‌رود. اگر در روایات بیان شده بود که مثلاً نماز بر دختر بالغ واجب می‌شود، می‌توان گفت که تشخیص بلوغ دختر را باید از طریق وقوع حیض یا ... مشخص کرد ولی در روایات از ابتدا، وجوب تکالیف بر دختر در سنی خاص مطرح شده است. علاوه بر آن معمولاً نیز لفظ بلوغ در روایات به معنای بلوغ جنسی به کار نمی‌رفته بلکه به معنای رسیدن به حدّ وجوب تکالیف مطرح می‌شده از جمله در روایت اول که می‌فرماید "حد بلوغ المرأة تسع سنین". روایاتی که می‌گویند پایان کودکی دختر، 9 سال است نیز به همین مطلب اشاره دارد. (4 روایت)

این نکته قابل توجه است که بلوغ در روایات، به معنای رسیدن می‌باشد و قرینه مشخص می‌کند مراد از بلوغ، چه امری است؛ مثلاً بلوغ نکاح، رسیدن به حد ازدواج یا بلوغ حلم به معنای رسیدن به حد احتلام یا ... می‌باشد.

12- در طرح این موضوع که نشانه بلوغ باید دایمی یا غالبی باشد، باید گفت با توجه به مطالب مذکور نمی‌توان ادعا کرد که روایات 9 سال چون با واقعیت خارجی مطابقت ندارد، قابل اخذ نیست؛ به خصوص اگر بلوغ جنسی نیز مدنظر باشد، 9

سال کاملاً قابل پذیرش است نه از جهت دائمی یا غالبی بودن نشانه بلوغ بلکه از جهت ابتداء زمان امکان بلوغ جنسی.

13- در جواب دلیل پانزدهم، به روایاتی اشاره می‌شود که تزویج به معنای ارتباط زناشویی مطرح شده (دخول) و نه عقد نکاح و پرواضح است که هر چند عقد نکاح قبل از 9 سال نیز جایز است ولی ارتباط زناشویی از 9 سال به بعد جایز می‌باشد.

14- به نظر می‌رسد اصلی‌ترین موضوع قابل بحث، نحوه برخورد با روایات می‌باشد. کسانی که معتقد به 9 سال می‌باشند، بین روایات جمع نموده‌اند به اینکه سن وجوب تکالیف، 9 سال است که زمان امکان وقوع حیض نیز می‌باشد. روایات ده سال نیز به معنای اتمام 9 سال و شروع ده سالگی است آنان فقط روایات 13 سال را نپذیرفته‌اند به این دلیل که:

الف) در سند حدیث، ضعف وجود دارد.

ب) در این روایات، سن وجوب تکالیف برای پسران 13 سال ذکر شده که مخالف اجماع همه فقهای شیعه و همچنین همه مسلمانان می‌باشد.

ج) در این احادیث، سن وجوب تکالیف برای دختران و پسران یکسان ذکر شده که مخالف اجماع فقها می‌باشد.

د) در تعارض بین روایات 9 و 13، روایت 13 سال، شاذ نادر است و امام صادق علیه‌السلام نیز به عمر بن حنظله فرموده‌اند «ویترک الشاذ الذی لیس بمشهور عند اصحابک» حدیث نادری که نزد اصحاب مشهور نمی‌باشد، ترک شود.

این گروه، شهرت را نیز مرجح و مؤید نظر خویش دانسته‌اند.

کسانی که به وجوب تکالیف از زمان وقوع حیض اعتقاد دارند، این گونه بین روایات جمع نموده‌اند که در روایاتی که سن مطرح شده، سن موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد.

بنابراین یک گروه، احادیث را معارض نیافته و گروه دیگر در تعارض روایات، مرجحی یافته‌اند. لذا هیچیک به تساقط روایات، اعتقاد ندارند.

15 و 16- آنان که بیان سن 9 در کلام معصوم را به دلیل بلوغ دختران در آن زمان و در عربستان می‌دانند، لازم است به نکاتی چند توجه نمایند:

الف) امامان معصوم علیهم‌السلام به تغییر زمان حیض دختران در همان عصر به نسبت مکانها و شرایط مختلف آگاهی داشته‌اند. بسیاری از سؤال کنندگان از امام صادق علیه‌السلام یا امام باقر علیه‌السلام در همان عصر نیز اهل خراسان و ری و قم و ... بوده‌اند که منطقه گرمسیر محسوب نمی‌شده است.

ب) با توجه به اینکه عوامل متعددی چون نوع تغذیه، بهداشت، ارث و ... در زمان وقوع حیض تأثیر دارد، یقیناً امام علیه‌السلام صرفاً به دلیل اینکه فرد اهل عربستان است، سن 9 سال را مطرح نمی‌نمایند چرا که یقین دارند دختران عربستان نیز در سنین متفاوتی حیض می‌گردند. روایات «فی سن من تحيض» نیز بیانگر آگاهی امام علیه‌السلام است که تعدادی از دختران در سنی که باید حیض شوند، قرار گرفته‌اند ولی هنوز خون حیض را ندیده‌اند.

ج) آماری که از زمان حیض سه نسل پشت سر هم (مادربزرگ‌ها، مادرها، دخترها) در ایران گرفته شده، نشان داده است که با گذشت زمان، زمان حیض دختران پایین‌تر می‌آید نه اینکه بالاتر رود. در کشورهای اروپایی نیز بعضی محققان ابراز داشته‌اند در چند دهه اخیر هر ده سال، دخترها حدود 3، 4 ماه زودتر از سنینی که قبلاً بالغ می‌شدند، به بلوغ می‌رسند زیرا کیفیت تغذیه افراد و بهداشت آنان رو به بهبود بوده است و نیز عوامل محرک جنسی از قبیل عکس، کتاب، فیلم و ... بیشتر شده است. حال باید گفت به چه دلیل می‌توان اثبات کرد که در عصر ائمه علیهم‌السلام همه یا اکثر دختران در 9 سالگی حیض می‌شده‌اند و اکنون در سنین بالاتر؟

د) ائمه علیهم‌السلام نسبت به آینده آگاهی داشتند و خود نیز می‌دانستند که کلامشان برای آیندگان هم حجّت است پس با علم به تغییر سن حیض دختران در آینده هرگز سن واحدی را بیان نمی‌کردند.

1- برخی نویسندگان در احتساب سن، مباحثی را مطرح نموده و در اینکه آیا سن براساس ماه‌های قمری بوده یا شمسی و چگونه به شمارش می‌آید، تردیدهای بسیاری داشته‌اند و در نهایت نتیجه گرفته‌اند که چه بسا 9 سال آن موقع در حقیقت 13 سال بوده است و آنچه امروز با عنوان 9 سال تمام قمری مطرح می‌گردد ساخته دست فقیهان است و حدس و گمانی بیش نیست.

صاحب "جواهر" برای احتساب سن، براساس ماه‌های قمری گفته است این امر در شرع، معهود و نزد عرب معروف بوده است. معصوم علیه‌السلام نیز مطابق عرف رایج آن عصر، سال و ماه را مطرح می‌نموده‌اند و بنای وضع احتسابات نجومی جدیدی را نداشته‌اند. در آیات قرآن نیز اشاراتی به احتساب سال براساس ماه‌های قمری می‌باشد از جمله: «هو الذی جعل الشمس ضياء و القمر نورا و قدره منازل لتعلموا عدد السنين و الحساب» و یا «یسئلونک عن الالهة قل هی مواقیت للناس و





الی سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از 2000 ریال الی 20000 ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق، واقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از 5 الی 10 سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است.

عاقده و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در برخی مواد قانون مدنی تغییراتی حاصل شد در نتیجه ماده 1041 قانون مدنی نکاح قبل از بلوغ را ممنوع دانسته است و در تبصره یک ماده 1210 قانون مدنی بیان شده که سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است.

چند سالی است که این تبصره در مقالات و سخنرانی‌ها مورد انتقاد قرار می‌گیرد. گاه در این مطلب که دختر در 9 سالگی مکلف می‌شود خدشه وارد می‌شود و گاهی به مسئله سن قانونی ازدواج دختران در 9 سالگی. در این میانه نمی‌توان از فشارهای بین‌المللی بر قوانین داخلی برخی کشورها از جمله ایران غفلت نمود. در تلاش برای همسان کردن قوانین داخلی کشورها با مصوبات سازمان ملل که عمدتاً توسط کشورهای غربی تدوین و سپس تصویب گردیده اصرار بر تغییر قانون سن ازدواج متناسب با قوانین سازمان ملل متحد می‌باشد.

در مصوبات سازمان ملل تأکید بر ممنوعیت ازدواج کودکان است و کودک نیز به هر فردی که کمتر از هجده سال دارد اطلاق می‌شود.

در کنفرانس جهانی زن در پکن در سال 1374 یکی از دستورالعملهایی که در «سند عمل» برای همه مردم جهان صادر شد عبارت بود از:

— تأکید بر تدوین قوانینی که دقیقاً حداقل سن ازدواج و توافق برای ازدواج را تعیین کند.<sup>(4)</sup>

در سند کنفرانس بیان شده است که به حکم ماده 297 هر چه زودتر و ترجیحاً تا پایان سال 1995 دولتها باید با مشورت با سازمانهای مربوطه و سازمانهای غیردولتی اجرای اهداف سند کنفرانس را شروع کنند و در بند 305 آمده است که سند باید با اقدام کلیه سازمانها و ارگانهای نظام سازمان ملل در دوره بین 1995 و 2000 اجرا شود

در پایان کنفرانس دبیر کل سازمان ملل در پیام اختتامیه خود گفت: سازمان ملل مسؤول اجرای مصوبات پکن و سند نهایی آن است و باید اجرا شود.

یکی از اموری که سند کنفرانس پکن تأکید فراوان بر آن دارد پیوستن بی‌قید و شرط دولتها به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان است که دولتها وقتی آن را به تصویب رساندند برایشان حکم قانون دارد و ملزم به اجرای آن هستند.

در بخش چهارم ماده پانزدهم کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان آمده است: «نامزدی و ازدواج کودک هیچ اثر قانونی ندارد و کلیه اقدامات ضروری منجمله وضع قانون برای تعیین حداقل سن ازدواج و اجباری کردن ثبت ازدواج در دفاتر رسمی می‌بایست بعمل آید.»

مقصود از کودک در قوانین بین‌المللی افراد زیر 18 سال می‌باشد. کنوانسیون حقوق کودک که در سال 1989 میلادی در 54 ماده تدوین شد و در سال 1990 به مرحله اجرا درآمد و ایران نیز در سال 1373 شمسی آن را پذیرفته و مجلس شورای اسلامی آن را به صورت مشروط تصویب کرده است. یکی از این مجموعه قوانین می‌باشد در ماده یک این کنوانسیون آمده است:

ماده 1- تعریف کودک: کسی که کمتر از هجده سال داشته باشد.

هر کشور که پیمان حقوق کودک را بپذیرد ملزم به اجرای آن است و پس از دو سال از پذیرش آن، باید گزارشی از وضعیت کودکان آن کشور و چگونگی اجرای پیمان حقوق کودک را به کمیته بین‌المللی پیمان حقوق کودک ارائه دهد. از جمله خلاصه عملکرد کشورها از سال 1990 تا پایان سال 1996 که به سازمان ملل ارائه شده است، تدوین قوانین جدید یا اصلاح قوانین قبلی در ارتباط با پیمان حقوق کودک در سی و پنج کشور است که در زمره این قوانین قانون سن بلوغ می‌باشد.

در چند سال اخیر در ایران طی سمینارهای مختلفی که برگزار شده است به مواد قانون مدنی در ارتباط با سن ازدواج اعتراضاتی شده و در این سمینارها خواستار بالا رفتن سن ازدواج دختران تا 15 یا 18 سالگی شده‌اند به نمونه‌هایی از این سمینارها اشاره می‌شود:

1- در تیرماه 1375 کارگاه مشورتی بررسی سلامت دختران نوجوان و جوان به همت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار شد.

در این کارگاه یکی از موضوعاتی که با عنوان مشکلات دختران نوجوان مطرح شده عبارت است از:

— قانونی بودن ازدواج دختران در سن بلوغ (9 سال تمام قمری = 8 سال و 8 ماه و 27 روز شمسی) و عنوان دیگر:

— ازدواج در سنین پایین و قبل از رسیدن به بلوغ اجتماعی.

نهایتاً در این سمینار در بخشی از استراتژی‌ها، جلب حمایت مراجع سیاستگذاری و قانونگذاری مطرح گردید تا در زمینه بازنگری قانون مدنی، تعیین سن مناسب ازدواج و باروری، قضاوت کارشناسی در مورد مباحث سن تکلیف و ازدواج، رفع موانع موجود در بهداشت باروری نوجوانان (مواد قانونی 1041 و 1169) فعالیت نمایند.

2- سمینار «حقوق کودک» در آبان 1376 توسط انجمن ملی حمایت از حقوق کودکان در ایران با همکاری یونیسیف برگزار شد در این سمینار یکی از شرکت کنندگان به مبانی فقهی و متدهای استنباط بلوغ و ولایت پرداخته و گفت: برای اجرای "حدود و قصاص 18 سال" و برای "ازدواج دختر 15 سال و پسر 18 سال" تناسب دارد در پایان این سمینار موادی تصویب شده خواهان اجرای آن شدند. اولین ماده آن عبارت است از:

— افزایش سن بلوغ بر مبنای ماده اول کنوانسیون حقوق کودک

خالی از لطف نیست که به چند ماده دیگر از مصوبات این سمینار اشاره شود:

\* تدریس حقوق کودک بر مبنای اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک در دانشکده‌های حقوق و دوره‌های کارآموزی قضاوت و وکالت

\* آموزش حقوق کودک بر مبنای اصول پذیرفته شده در کنوانسیون حقوق کودک به عموم مردم بویژه اولیاء و مربیان، معلمان و کودکان

\* اشاعه کنوانسیون حقوق کودک از طریق رسانه‌های گروهی

3- انجمن همبستگی زنان طی سه دوره سمینار تحت عنوان مروری بر حقوق زنان در قانون مدنی ایران در اواخر سال 76 و ابتدای سال 77 برخی مواد قانون مدنی را مورد انتقاد قرارداد و سپس با انتشار بیانیه‌ای خواستار تغییر برخی از قوانین مربوط به زنان در قانون مدنی شد. در این بیانیه با اشاره به برخی از مواد مانند ماده 1041 و 1210 قانون مدنی که

مربوط به سن ازدواج دختران است تصریح شده است که هر کس دارای 18 سال تمام نباشد در حکم غیررشید است.<sup>(5)</sup>

انجمن همبستگی زنان پیشنهادات اصلاحی خود را در قانون مدنی در اردیبهشت 1376 به دفتر ریاست جمهوری جهت بررسی در هیأت دولت ارائه داد. علاوه بر این موارد، در سمینارهای دیگری نیز سن ازدواج در قانون مدنی مورد انتقاد قرار گرفته و خواستار تغییر در این ماده قانونی شده‌اند. مانند کارگاه آموزشی - مشورتی سلامت بلوغ دختران در دی ماه 1375 و ... در مجلات و روزنامه‌ها نیز مکرراً به این ماده قانونی اشکال وارد شده و خواستار تغییر این ماده قانونی شده‌اند.

نکته بسیار جالب توجه اینکه در پیشنهاد برای تغییر این قانون به آیات و روایات اشاره می‌گردد و نیز فتوای فقهی آیه‌الله صانعی در ارتباط با سن 13 سال بسیار مطرح می‌گردد. ولی نتیجه نهایی از این مباحث پیشنهاد تغییر سن بلوغ از 9 به 15 یا 18 سالگی می‌باشد. امری که هیچ روایتی یا هیچ آیه‌ای مطرح نکرده است.

مسئولین ایرانی نیز نسبت به این امر واقفند که در مجامع بین‌المللی در ارتباط با سن ازدواج در کشور، مورد انتقاد قرار خواهند گرفت. بعنوان نمونه به سخنان یکی از خواهران مسئول ایرانی در اجلاس کمیسیون مقام زن در سال 77 اشاره می‌شود. ایشان در جواب خبرنگار زن روز که سؤال کرده بود: آیا در مورد سن بلوغ هم در اجلاس صحبت شد؟ می‌فرماید: آنها سن بلوغ نمی‌گویند زیرا تکلیف و عبادت برای ما مهم است. آنها به سن ازدواج اشاره می‌کنند که قطعنامه‌ای هم بود و بنده مجبور شدم توضیح دهم که ما انواع بلوغ داریم بلوغ سیاسی، بلوغ عبادت، بلوغ ازدواج، بلوغ اجتماعی و تفاوت هر یک را بیان کردم در عین حال آنها بر سن 18 سال تصریح کردند. در آنجا گفته شد که هر کس زیر 18 سال سن دارد کودک نامیده می‌شود. این موضوع هم با تلاش کارشناسان به این شکل تغییر کرد که با استناد به سند پکن که سن روشنی قید نکرده عمل شود. اما در مورد بلوغ و سن ازدواج با استناد به سخنرانی اخیر مقام معظم رهبری که فرمودند تأکید می‌کنم بر مسئله ازدواج. در برخی شهرها که دختران را در سن پایین و خلاف میلشان وادار به ازدواج می‌کنند و دستور فرموده بودند که قوانین مانع این کارها بشود سخن گفتم که بسیار مورد توجه قرار گرفت. آنها می‌دیدند که جمهوری اسلامی ایران با ازدواج تحمیلی در سن پایین و ازدواج زودرس مخالف است و در آنجا آماری ارائه کردیم که این حداقل سن در قانون مدنی است در حالی که میانگین سن ازدواج برای زنان 22 و برای مردان 24 سال است.

اخیراً پس از سخنرانی مقام معظم رهبری در استان هرمزگان و نصیحت و ارشاد مردم آن استان مبنی بر آنکه دختران خود را در سنین پایین به زور شوهر ندهند<sup>(6)</sup> بسیاری سخنان ایشان را حمل بر مخالفت با ازدواج در سنین پایین و در نتیجه اعتراض به قانون جواز ازدواج از سن 9 سالگی نمودند. طی سؤالی که توسط شورای فرهنگی - اجتماعی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی از دفتر ایشان مبنی بر توضیح بیشتر در ارتباط با مقصود خود، نمودند ایشان

فرمودند:

«نظر اینجانب به اجبار بر ازدواج است که قاعدتا در مورد سنین پایین محتمل تر است و گر نه اگر اجباری در کار نباشد ازدواج در سن تکلیف شرعی مانع ندارد.»

با توجه به آنچه تجارب بشری دریافته است، امکان وقوع حیض، آخرین علامت بلوغ در دختران، از 9 سالگی می باشد و این امر اختصاص به مکان خاصی ندارد؛ هر چند که میانگین سن وقوع این پدیده در دختران متفاوت می باشد. در بسیاری از کشورها از جمله ایران 13 سال و در برخی دیگر 12 یا 14 و به ندرت 15 سال می باشد. با پیدایش بلوغ در دختران، احساسات جنسی و میل جنسی نیز در آنان ایجاد شده و شدت می یابد. به گونه ای که در بسیاری از دختران نوجوان، عشق به جنس مخالف از اشتغالات ذهنی مهم آنان می شود. با پیدایش احساسات جنسی، دختران شروع به ایجاد ارتباط چشمی، کلامی و سپس بدنی با پسران می نمایند؛ هر چند در بسیاری از موارد اعتقادات آنان، فرهنگ حاکم بر جامعه و تربیت خانوادگی، موانعی جهت ایجاد چنین ارتباطی می گردد و دختر با خویشتن داری، با امیال خود مبارزه می نماید ولی باز هم موارد فراوانی در جهان مشاهده می گردد که امیال سرکش شهوانی، دختر را وادار به این رابطه می سازد. در این شرایط، قوانین اجتماعی کارآیی خود را از دست می دهند و دختر برغم قانون موجود در کشور خویش، مبنی بر محدودیت سن ازدواج، تن به روابط خارج از حریم قانون می دهد. آمار موجود در کشورهای اروپایی و آمریکایی که نشان دهنده روابط جنسی دختران و پسران در زیر سن ازدواج می باشد، مؤید این مطلب است. به نمونه اندکی از این آمار که توسط محققان آمریکایی ارائه شده، اشاره می شود:

— در آمریکا در سال 1984، 9965 زایمان مربوط به زنان زیر 15 سال بود (پایین تر از سن قانونی ازدواج) و این غیر از سقط جنین هایی است که توسط دختران زیر 15 سال واقع می گردد. هر ساله در آمریکا حدود 400/000 سقط جنین در زنان کمتر از 20 سال صورت می گیرد که اکثرا در نوجوانان غیرمتأهل است.<sup>(7)</sup>

ممنوعیت ازدواج در بخشی از سنین هیجانناات جنسی در آمریکا، سبب عادی شدن روابط جنسی خارج از قانون خانواده در سنین دیگر نیز شده است. لذا محققان آمریکایی می گویند: تخمین زده می شود در آمریکا 70٪ زنان مجرد 19 ساله و 80 تا 90٪ مردان جوان مجرد، مقاربت جنسی داشته اند.<sup>(8)</sup>

— محققان آمریکایی می گویند آمارها نشان می دهد ده سال قبل، سن متوسط برای نخستین رابطه جنسی در آمریکا 18 سال بود و فقط 55٪ دخترها تا آن سن رابطه جنسی را تجربه کرده بودند و اکنون متوسط سن برای نخستین رابطه

جنسی در دختران آمریکایی، 16 سالگی است (این بدین معناست که حدود نیمی از دختران آمریکایی قبل از سن قانونی ازدواج، نخستین رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند) و در حال حاضر 80٪ پسرها و 70٪ دخترها تا 19 سالگی، رابطه جنسی کامل را پشت سر گذاشته‌اند.<sup>(9)</sup>

کثرت روابط جنسی دختران و پسران در زیر سن قانونی ازدواج کارشناسان آمریکایی را بر آن داشته است تا در برخی از قوانین خود استثنائاتی را قایل گردند از جمله اخذ رضایت‌نامه والدین در درمان. به قانون مربوطه توجه کنیم:

— در اکثر ایالت‌های آمریکا، زیر سن 18 سال را صغر سن می‌نامند و فرد کمتر از 18 سال، صغیر محسوب می‌شود و قاعدتا برای انجام جراحی یا درمان بیماری‌های غیرآمیزی در این رده سنی، اخذ رضایت‌نامه از والدین ضروری است.

در 50 ایالت آمریکا، پزشکان می‌توانند بیماری‌های آمیزی افراد صغیر را بدون اخذ رضایت‌نامه از والدین درمان کنند.<sup>(10)</sup>

البته ماده 16 کنوانسیون حقوق کودک، یکی از حقوق کودک (زیر 18 سال) را چنین برمی‌شمرد: «محافظت از خلوت کودکان: خودداری از دخالت در امور خصوصی و خانوادگی کودکان» به نظر می‌رسد به دلیل امکان وقوع طبیعی آخرین علامت بلوغ و وجود نیاز جنسی در دختران از 9 سالگی، بهتر است که امکان برآوردن نیاز جنسی در قالب ازدواج برای دختر از این سن فراهم باشد. بدین‌وسیله جامعه گرفتار مضرات بسیار وجود رابطه جنسی خارج از محدوده خانواده نمی‌گردد و با ثبت ازدواج قانونی دختر نیز، حقی از او و یا فرزند آتی او ضایع نخواهد شد. در ارتباط با ازدواج در سنین پایین مشکلاتی نیز مطرح شده که به طرح و بررسی آن می‌پردازیم.

آنچه به عنوان مضرات ازدواج در سنین پایین مطرح است، عبارتند از:

الف) ازدواج در سن پایین، موجب حاملگی در این سنین می‌گردد و این حاملگی موجب چند ضرر بر کودک و مادر نوجوان می‌شود:

#### 1- خطرات مربوط به کودک:

احتمال افزایش مرده‌زایی، سقط جنین، کمبود رشد کودک زیرا بدن مادر هنوز در حال رشد است و جهت رشد خود نیاز به تغذیه مناسب دارد در نتیجه جنین دچار کمبود مواد غذایی می‌گردد و رشد کافی پیدا نمی‌کند. احتمال افزایش بیماری‌هایی چون عقب‌ماندگی ذهنی نیز در جنین زیاد می‌باشد.

## 2- خطرات مربوط به مادر:

افزایش زایمان غیرطبیعی و سزارین به دلیل کافی نبودن رشد لگن که موجب ضرر به جسم مادر می‌شود. مادر در حال رشد است و به دلیل حاملگی و مصرف مواد غذایی بدن او توسط جنین، بدن وی دچار کمبود مواد غذایی می‌شود.

— در ارتباط با مسایل مذکور چند نکته را باید یادآوری نمود:

1- حاملگی، قبل از تخمک‌گذاری هرگز به وقوع نمی‌پیوندد و دختر در هر سنی که ازدواج نماید از زمان تخمک‌گذاری، امکان حمل او وجود دارد. معمولاً دختران چند ماه بعد از وقوع حیض، (6 ماه تا 18 ماه) دارای تخمک می‌گردند. لذا حتی اگر دختر 9 ساله ازدواج نماید معمولاً تا مدتی بعد از وقوع حیض، امکان حاملگی او وجود دارد و با توجه به اینکه میانگین سن وقوع حیض در دختران ایرانی حدود 13 سالگی است، پس جوانترین مادرها معمولاً بیش از 14 سال خواهند داشت. بجز موارد نادری که در 10، 11 سالگی تخمک‌گذاری داشته‌باشند.

2- مدتها قبل از وقوع حیض، اندامهای جنسی دختر شروع به رشد می‌نماید و زمان بروز پدیده حیض، این اندامها رشد خود را نموده‌اند. لگن او نیز تا قبل از حیض، رشد خود را می‌نماید لذا زمانی که امکان حاملگی و زایمان وجود دارد، لگن مادر نیز آمادگی لازم را جهت زایمان داراست مگر مواردی که لگن دختر رشد بیشتری نخواهد کرد. آمار بالای زایمانهای غیرطبیعی در سنین پایین توسط سازمان جهانی بهداشت روشن می‌کند که سزارین‌های فراوان در مادران نوجوان در حقیقت مربوط به عدم بهداشت، کمبود امکانات درمانی و بیمارستانی و ناآگاهی مادران نوجوان نسبت به مسایل درمانی و بهداشتی می‌باشد. لذا آمارها همواره نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه یافته مانند ژاپن میزان زایمان غیرطبیعی در مادران نوجوان اندک است ولی در کشورهای فقیری چون ایتوپیی یا بنگلادش، این آمار بسیار بالا می‌باشد. این امر در حقیقت ارتباطی به سن مادر هنگام زایمان ندارد. با آموزش مناسب زنان باردار در هر سنی و گسترش امکانات بهداشت و درمان، میزان زایمان غیرطبیعی در هر سنی کاهش خواهد یافت.

مرده‌زایی و سقط جنین نیز در حقیقت ارتباطی با سن مادر ندارد بلکه به شرایط زندگی و امکانات بهداشتی، درمانی و دانش مادر در هر سنی که باشد، مربوط می‌شود. در این رابطه نیز در کشورهای توسعه یافته آمار مرده‌زایی یا تولد نوزادان ناقص یا نارس در حاملگی‌های در سن پایین، اندک است ولی در کشورهای در حال توسعه آمار بالا می‌باشد.

3- مراحل رشد کودک، نشانگر این امر است که رشد ناگهانی بدن در دختران دو، سه سال قبل از حیض، شروع می‌شود و بدن دختر تا زمان وقوع حیض، رشد خود را نموده است. پس از آن تا حدود زمان 18 سالگی بین 2 تا حداکثر 6 سانت

قد رشد می‌نماید و رشد بدن بسیار اندک است. لذا وقوع حاملگی که لزوماً بعد از تخمک‌گذاری می‌باشد، ضرر قابل توجهی به بدن مادر یا کودک وارد نخواهد ساخت. طبق تحقیقی که در سال قحطی در یک کشور آفریقایی از نوزادان تازه متولد در آن سال انجام شده، مشخص گردید که اساساً سوء تغذیه مادر بر روی جنین تأثیر چندانی نمی‌گذارد بلکه اثرات منفی آن متوجه مادری می‌گردد. حال با توجه به اینکه مادر نوجوان رشد چندانی نخواهد کرد اگر در ایام حاملگی تغذیه مناسب داشته باشد نیاز مادر و جنین هر دو کاملاً مرتفع خواهد شد. پس در حقیقت عوارض منفی جسمانی در حاملگی نوجوانان مربوط به فقر اقتصادی مادران نوجوان و یا ناآگاهی آنان نسبت به کیفیت تغذیه مناسب در ایام بارداری می‌باشد؛ بخصوص که ازدواج در سنین پایین معمولاً در جوامع عقب مانده اقتصادی واقع شده است و آمارها نیز عوارض سوء را در همین جوامع نشان می‌دهد.<sup>(11)</sup>

کم خونی رایج در زنان حامله نوجوان نیز ارتباط چندانی با سن آنها ندارد بلکه این بیماری در بسیاری از زنان وجود دارد و این امر در حقیقت به تغذیه نامناسب دوران حاملگی بستگی دارد.

4- امکان بیماریهایی چون منگولیسیم در کودک، در حاملگی سنین بالا که بدن رو به فرسودگی می‌رود، زیاد است و در حاملگی در سنین نوجوانی احتمال این بیماریها زیاده‌تر نمی‌شود. در این سنین معمولاً تخمکها سالم و با طراوت می‌باشند و احتمال بیماری به میزانی است که دختر جوانی حامله شود.<sup>(12)</sup>

ب) ازدواج در سن پایین معمولاً همراه با ارتباط زناشویی در سنین پایین است و با توجه به اینکه در دختر 9 ساله هنوز اندامهای جنسی رشد کامل نیافته است، موجب ضرر برای دختر می‌شود.

با توجه به این مسأله که قبل از بروز منارک (اولین قاعدگی)، اندامهای جنسی دختر رشد می‌یابد یقیناً دخترانی که در آنان منارک به وقوع پیوسته، در آمیزش جنسی با همسر خود دچار مشکلی نخواهند شد مگر آنکه دارای نقص جسمانی بوده یا بیماری داشته باشند و این مطلب ارتباطی با سن آنها ندارد. حال با توجه به اینکه امکان وقوع قاعدگی از 9 سالگی وجود دارد، پس دخترانی وجود دارند که در صورتی که در این سن ازدواج نمایند، ضرری متوجه آنان نخواهد شد.

نکته:

لزوماً باید توجه داشت که هیچ‌کس حق ندارد دختر 9 ساله را وادار به ازدواج نماید و رضایت دختر، شرط نفوذ عقد می‌باشد.<sup>(13)</sup> پس در تمامی موارد، سخن از دختر 9 ساله‌ای است که خود خواهان ازدواج باشد. علاوه بر آن یکی از شروط صحت ازدواج دختر باکره، رضایت پدر به آن ازدواج می‌باشد.<sup>(14)</sup> یعنی در حقیقت مردی با تجربه که سنی از او گذشته



است و علاقه‌مند به سرنوشت دختر خود می‌باشد، در ارتباط با این ازدواج تصمیم می‌گیرد. حال اگر دختر مایل به ازدواج با پسری بود و پدر دختر نیز این ازدواج را مطابق مصلحت دختر یافت و با آن موافق بود و دختر نیز در این ازدواج متضرر نمی‌شد، آیا باید منع قانونی برای این ازدواج قرارداد؟ در حقیقت مهمترین مسأله در عدم موفقیت برخی ازدواجهای زودهنگام، اجبار دختر به ازدواج می‌باشد که این تحمیل ازدواج، مخالف شرع مقدس اسلام و قانون مدنی ایران می‌باشد. البته ضعف در اجرای قانون را نباید به قانون تسری داد و قایل به امری شد که با شرع مقدس اسلام منافات داشته باشد یعنی ایجاد منع قانونی برای تمامی ازدواجهای دختران کمتر از 15 یا 18 سال.

پیشنهاد:

حال اگر دختری 9 ساله برغم رضایت خود و پدرش هنوز از نظر اندامهای جنسی، رشد لازم را نیافته و احتمال ضرر در ارتباط زناشویی با او وجود داشته باشد، می‌توان بنابر تقاضای هر یک از نزدیکان و یا حتی مدعی‌العموم (مثلاً معلم مدرسه او یا محضردار که عقد را ثبت می‌نماید)، پیشنهاد معاینه پزشکی دختر را نمود. احتمال ضرر می‌تواند مجوز این معاینه باشد و در صورتی که پزشک جسم دختر را آماده مزاجت نیافت تا زمان تأیید پزشک حکم به تأخیر آن بدهد. ممکن است برخی این ایراد را مطرح نمایند که در صورت امکان وقوع عقد، کسی نمی‌تواند عملاً مانع مزاجت بین زن و شوهر گردد که در جواب باید گفت در مواردی که فردی احتمال ضرر را در مزاجت دختری (هرچند 13 ساله) مطرح نموده باشد، می‌توان حکم نمود که اعطای سند ثبت ازدواج، منوط به ارائه تأیید پزشک می‌باشد و یا اینکه در صورت ادعای احتمال ضرر فردی حتی از سوی مدعی‌العموم اگر ازدواج بدون تأیید پزشک واقع شود و دختر از نظر جسمی متضرر گردد، مرد ملزم به پرداخت جریمه می‌باشد.

ج) بسیاری، ازدواج در سن پایین را با توجه به تحولات روانی در سن نوجوانی، موجب ضرر بر عروس نوجوان می‌دانند.

به نظر می‌رسد که با توجه به تحولات خاص دوران نوجوانی این ایراد چندان منطقی نباشد. از نظر روانی نوجوان دارای احساسات جنسی و میل جنسی شدید می‌گردد و از طرفی، گروه همسالان برای او نقش مهمی دارد. او می‌کوشد تا هویت مستقلی را برای خویش کسب کند و نیز دارای آشفته‌گی و هیجانات روحی است.

ازدواج برای چنین فردی می‌تواند بسیار مفید نیز باشد. نیاز جنسی او را ارضا می‌نماید و هویت مستقلی را به عنوان خانم خانه برای او فراهم می‌نماید و آشفته‌گی روحی او را تسکین می‌دهد. بیشترین فایده‌ای که بر ازدواج مترتب است، جنبه ایجاد آرامش برای زن و شوهر می‌باشد که خداوند در قرآن نیز با عنوان "لتسکنوا الیها" (زوج را خلق کردیم تا در کنار آن

سکینه و آرامش یابید) به آن اشاره نموده است.

در تحقیقات بعمل آمده در ایران مشخص شده است که سن ازدواج، اختلاف سنی با شوهر و سن شوهر، تأثیر چندانی در عدم تفاهم بین زن و شوهر ندارد و آزار و اذیت زنان در کانون خانواده، بیشتر تحت تأثیر عوامل فرهنگی قرار دارد.<sup>(15)</sup>

البته این امر غیر قابل انکار است که دختران این زمانه که نه در خانواده و نه در مدرسه، آموزشی در ارتباط با همسرداری، پرورش کودک و خانه‌داری نمی‌بینند، آمادگی تشکیل خانواده را ندارند و بدون این آمادگی نیز تشکیل خانواده، همراه با مشکلاتی خواهد بود.

لذا در گذشته که دختران را از سنین پایین آموزش می‌دادند که چگونه از کودک محافظت نماید، خانه‌داری کند و ... در موارد بسیاری برغم ازدواج در سن پایین، دختر ازدواج موفق داشت و برعکس برخی دختران کنونی که در سن بالا ازدواج می‌نمایند ولی هیچگونه آموزشی برای ورود به کانون خانواده نمی‌بینند، مشکلات زیادتری دارند. متأسفانه به دلیل عدم توجه لازم به اهمیت خانواده و حساسیت آن هنوز در دروس مقطع متوسطه یا دروس دانشگاهی، جای خالی درسی که به طور جدی به موضوع خانواده بپردازد، خالی است؛ درسی که دختران و پسران را با حقوق زن و شوهر، وظیفه هر یک نسبت به یکدیگر وظیفه پدر و مادر نسبت به کودک، چگونگی مواظبت، حفاظت، تربیت کودک و ... آشنا سازد.

برغم اهتمام شدید اسلام به خانواده و مسایل آن، پس از گذشت 20 سال از پیروزی انقلاب اسلامی هنوز واحد درسی با نام خانواده، وظایف و حقوق خانوادگی در دانشگاه‌های خویش نداریم؛ هرچند به دلیل اهتمام سازمانهای بین‌المللی بر مسأله کنترل جمعیت، درس تنظیم خانواده و جمعیت برای تمامی رشته‌های دانشگاهی اجباری شده است.

براساس تصمیمی که از سوی شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی اتخاذ شده، گذراندن واحد درسی تنظیم خانواده و جمعیت برای تمامی دانشجویانی که از ابتدای سال تحصیلی 78 - 77 وارد دانشگاه می‌شوند، الزامی است این درس برای رشته‌های مختلف پزشکی و دامپزشکی بصورت دو واحدی و برای سایر رشته‌ها یک واحدی می‌باشد و جزو دروس عمومی تمامی رشته‌های تحصیلی مقاطع کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد پیوسته می‌باشد.<sup>(16)</sup>

در صورتی که مشکلات اقتصادی و اجتماعی ما را بر آن داشته که چنین درسی را در دانشگاه الزامی کنیم (و البته در کلاسهای مختلط، اندامهای جنسی دختر و پسر، لوازم پیشگیری از بارداری اعم از کاندوم، بستن لوله‌های اسپرم‌ساز، گذاردن آیودی در رحم و ... را آموزش دهیم). آیا جهالت دختر و پسر ما نسبت به وظایف و حقوق خود و همسر و فرزند،

مشکلات فرهنگی و اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی کمتری ایجاد نموده است؟

یقیناً آموزش دختران حتی در اوان نوجوانی، می‌تواند توانایی همسرداری مناسب و حفاظت و تربیت کودک را در او ایجاد نماید. مطمئناً آموزش خانه‌داری و مراقبت از کودک، از آموزش کار با رایانه چندان پیچیده‌تر نیست که همگان توانایی نوجوان را جهت استفاده از رایانه، در صورت آموزش، پذیرفته‌اند.

نکته مهمتر آنکه با آموزش حساسیت مسأله ازدواج می‌توان عملاً به دختران تفهیم نمود که تا بدست آوردن توانایی لازم جهت تشکیل خانواده، احساسات خویش را کنترل نمایند همان‌گونه که وقتی دختر یا پسر دریافت که انجام معاملات بانکی یا رانندگی یا ... مستلزم دانستن بعضی مسایل می‌باشد و در غیر این صورت امکان ضرر مالی یا جانی قابل توجهی وجود دارد، از اقدام به معاملات بانکی یا رانندگی بدون گواهینامه تا حد زیادی می‌پرهیزد.

توجه:

مکرراً یادآوری می‌شود که هیچ‌کس اصرار بر ازدواج دختر در سن پایین یا در سن نوجوانی ندارد بلکه فقط مطرح می‌شود که امکان ازدواج دختر نوجوانی که خود خواهان آن است و پدر هم رضایت دارد و ضرری نیز متوجه کسی نمی‌شود، وجود داشته باشد.

نتیجه:

1- در روایاتی که پیرامون زمان و وجوب تکالیف و زمان جواز ارتباط زناشویی آمده، چند امر مطرح شده: 9 سال، 10 سال، 13 سال، زمان وقوع حیض

2- به نظر می‌رسد طرح لزوم تکالیف اجتماعی از زمان وقوع حیض، در قانون، مناسب نباشد زیرا:

الف) بین افراد تفاوت قابل توجهی در مورد زمان وقوع حیض وجود دارد.

ب) در موارد اندکی، اصلاً حیض بوقوع نمی‌پیوندد.

ج) اثبات وقوع حیض در مواردی دشوار است.

3- در صورتی که در قانون، سن ازدواج میانگین سن حیض در ایران (13 سال) در نظر گرفته شود، این مشکل پیش

می‌آید که هرچند سال یک بار به دلیل تغییر شرایط، این سن تغییر می‌کند و در نتیجه قانون باید تغییر کند.

4- در صورتی که میانگین سن وقوع حیض، یعنی 13 سال در قانون مطرح شود کلاً براساس متون دینی می‌توان به 9 سال یا 10 سال یا 13 سال اعتقاد داشت که در نتیجه حکم به 15 سال یا 18 سال، با نصوص فراوان دینی منافات دارد و تنها کسانی می‌توانند چنین بگویند که قایل به جدایی دین از سیاست باشند و معتقدند از نصوص دینی فقط احکام فردی و عبادی را می‌توان مورد استفاده قرارداد.

5- آنچه اکنون در حقیقت مشکل جامعه می‌باشد، بالارفتن سن ازدواج دختران و پسران است. اکنون حدود 6 میلیون پسر و دختر در سن ازدواج می‌باشند که هنوز ازدواج نکرده‌اند. براساس آخرین سرشماری عمومی کشور، میانگین سن در اولین ازدواج دختران در کل کشور 22/5 سال در شهرها و 21/2 سال در روستاها بوده است. میانگین سن در اولین ازدواج مردان نیز در شهرها 26/2 سال و در روستاها 24/5 سال است. براساس این آمار، فقط 0/2 درصد از ازدواجها در ایران در سن زیر 16 سال انجام می‌شود.<sup>(17)</sup> بنابراین جای تأمل دارد که طرح بالابردن سن ازدواج در قانون آیا واقعا برای رفع مشکلی از مشکلات جامعه می‌باشد یا فقط جهت ساکت نمودن مخالفان؟ از یاد نبریم این کلام الهی را که می‌فرماید:

و لن ترضی عنک الیهود ولاالنصارى حتى تتبع ملتهم<sup>(18)</sup>

ای رسول، هرگز یهود و نصاری از تو راضی نمی‌شوند تا اینکه تابع آنان شوی.

مخالفان جمهوری اسلامی ایران زمانی سکوت اختیار می‌کنند که ما از بند بند قوانین مصوب پس از انقلاب اسلامی، دست برداریم و هماهنگ با جریان توسعه بین‌المللی که طراحان آن ابرقدرتها هستند، حرکت کنیم.

6- طرح بالابردن سن ازدواج در شرایطی بیان می‌شود که روابط ناسالم بین دختران و پسران در سن نوجوانی زیاد شده و دوستی‌های نامشروع دختران در سن مدارس راهنمایی رشد زیادی یافته است. بررسی اجمالی مسأله در بین دختران مدارس راهنمایی بسرعت و بوضوح این امر را آشکار می‌سازد. اخیراً تعداد دختران مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی برای اثبات این امر که توسط دوست پسر خویش مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند، قابل ملاحظه است. تعداد دختران نوجوانی که به ماما یا پزشک زنان مراجعه می‌نمایند تا پرده بکارت آنان که توسط دوست پسر خود برداشته شده، ترمیم گردد یا بتوانند از قرص ضد حاملگی، برغم عدم تأهل خویش استفاده نمایند یا معاینه شوند که آیا هنوز باکره می‌باشند یا خیر، قابل ملاحظه است. اطلاعات صدای مشاور سازمان بهزیستی از شهر تهران طیف وسیعی از سؤالات را پیرامون روابط

نامشروع، حاملگی‌های نامشروع، نحوه سقط جنین بیان می‌کند.

حال آیا بالارفتن سن ازدواج، این زمینه مناسب را که دختران هوسباز نوجوان بتوانند از طریق ازدواج رابطه مشروع داشته باشند، از بین نمی‌برد؟

این مسأله نیز قابل توجه است که با رواج کتاب‌ها، عکس‌ها، فیلم‌ها، نوارهای موسیقی مبتذل که همگی محرک امیال جنسی نوجوانان می‌باشند، عملاً سن بلوغ در دختران و پسران پایین‌تر آمده است.

7- قانون مدنی، ازدواج دختر 9 ساله را جایز می‌داند نه اینکه دختران 9 ساله را تشویق به ازدواج در 9 سالگی نماید.

8- در ازدواج دختر، موافقت دختر با ازدواج لازم و ضروری می‌باشد.

9- در ازدواج دختر باکره، رضایت پدر لزوماً باید همراه باشد.

10- بالارفتن سن ازدواج در قانون، سبب می‌شود که ازدواجهای غیررسمی، افزون گردد. زیرا مردم به دلیل مسایل اعتقادی و فرهنگی خود در سنین پایین، ازدواج می‌نمایند. حال اگر این ازدواج نتواند رسماً ثبت گردد، موجب می‌شود زنان نتوانند در دریافت مهریه، نفقه، ارث و امور مربوط به فرزندشان، ادعای خویش را در مسأله ازدواج خود به اثبات رسانند.

10- برخی می‌گویند رشد، شرط در معاملات، قصاص و ازدواج است و همان‌گونه که در انجام معاملات علاوه بر بلوغ، فرد باید دارای رشد در معامله نیز باشد، در ازدواج نیز باید دختر و پسر علاوه بر بلوغ، دارای رشد نیز باشند تا بتوانند ازدواج نمایند. در حقیقت دختر و پسر باید شایستگی و لیاقت اداره خانواده را داشته باشند تا بتوانند ازدواج نمایند.

در ارتباط با این سخن باید گفت:

الف) در معاملات به دلیل آیه قرآن و روایات باید رشد فرد اثبات گردد ولی در ازدواج، دلیلی بر لزوم اثبات رشد وجود ندارد.

ب) مراد از رشد در امر ازدواج، مشخص نیست هم اکنون مردان چهل ساله‌ای خودخواه و مسؤولیت‌ناشناس هستند که به طور مداوم سرمایه عظیم خانواده خویش را تزییع می‌نمایند و به همسر و فرزندان خویش اجحاف روا می‌دارند. آیا

می‌توان حکم کرد که آنها اجازه ازدواج ندارند؟

(ج) این مسأله امری مسلم است که سفیه یا فردی که دارای عقب‌ماندگی ذهنی است ولی نیاز جنسی دارد، می‌تواند ازدواج نماید و در صورتی که تمایل به ازدواج داشته باشد کسی نمی‌تواند مانع او گردد.

(د) به نظر می‌رسد اسلام در دیدگاهی به امر ازدواج به عنوان وسیله‌ای جهت رفع نیاز جنسی زن و مرد می‌نگرد و به زود ازدواج کردن، توصیه می‌نماید و بر آسان‌گیری ازدواج از جهت قید و بندهای اقتصادی و اجتماعی تأکید ورزیده است. البته همچون تمامی مسؤولیتهای دیگری که بر دوش افراد می‌نهد، افراد را نسبت به حقوق و وظایف خود در ارتباط با مسأله تشکیل خانواده آشنا می‌سازد. چاره فردی را که تحت فشار غریزه جنسی، کنترل برخی رفتارهای خود را از دست داده و در مرز فروافتادن در منجلاب روابط نامشروع قرار گرفته را در منع قانونی ازدواج تا زمان بدست آوردن رشد فکری لازم نمی‌بیند بلکه سفارش می‌کند خانواده و جامعه بکوشند هم‌زمان با بلوغ جنسی دختران و پسران، آنان را با وظایف خویش در ارتباط با خانواده آشنا سازند؛ همان‌گونه که در عبادات نیز به دختر 15 ساله نازپرورده‌ای که شب و روز خود را در سرگرمی و غفلت بسر می‌برد و مفهوم مناجات عبد با خدا را در نمی‌یابد، نمی‌گوید که هر وقت عبادت را درک کردی، انجام فرایض بر تو واجب می‌شود بلکه او را موظف به انجام عبادت می‌نماید و در ضمن با روشنگری توسط آیات و روایات، او را با مفهوم عبادت و ارزش آن آشنا می‌سازد. آشنا نمودن با معارف دینی را هم بر پدر و مادر به عنوان وظیفه نسبت به فرزند، لازم می‌شمرد و به جامعه به عنوان امر به معروف، آشنا ساختن فرد مکلف را با عبادت واجب می‌نماید و بر فرد مکلف نیز آموختن مسایل و احکام مبتلابه را واجب می‌سازد.

تجربه‌ای که غرب آموخت برای ما اندک نیست. بالابردن سن ازدواج برای آنکه دختر و پسر آمادگی جسمانی و فکری لازم جهت ازدواج را داشته باشند، دختران و پسران حریص بر امیال جنسی را وادار به ایجاد ارتباط جنسی خارج از کانون خانواده نمود و پرواضح است که این روابط چه صدمات جبران‌ناپذیری بر دختر، پسر و قربانیان این روابط، کودکان نامشروع و ناخواسته، زد. جالب این است که در اکثر کشورهای که سن قانونی ازدواج 16 یا 18 سال است، استفاده از لوازم پیشگیری از حاملگی برای دختران دوازده یا سیزده ساله قانوناً سهل و آسان است.

آیا بهتر نیست از زمانی که فرد دارای تمایلات جنسی می‌گردد، امکان ازدواج نیز برای آنان فراهم آید ولی با برنامه‌ریزی فرهنگی به دختر و پسر تفهیم شود که با نیاز خویش، عاقلانه برخورد نماید؟ آیا بهتر نیست او را با عظمت مسؤولیت تشکیل خانواده آشنا سازیم تا خود، امیال خویش را کنترل نماید و توانایی ورود در کانون خانواده را نیز در خویش ایجاد نماید؟ از طرفی اگر قادر به کنترل غرایز خویش نبود، بتواند از طریق مشروع و قانونی، برغم وجود مشکلاتی، نیاز خود را

در قالب ازدواج برطرف نماید؟ یقیناً با ازدواج، ابعاد دیگر این پیوند نیز رشد خواهد یافت و دختر و پسر دارای رشد فکری و اجتماعی نیز خواهند شد.

اجمالاً به روایاتی در جلد 14 "وسائل الشیعه" (کتاب النکاح) پیرامون این موضوع اشاره می‌شود:

در باب دوم، دهم و یازدهم در روایات متعددی تأکید شده که از ترس مشکلات زندگی نباید ازدواج را ترک نمود. خداوند نیز در قرآن فرموده است: «ان یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» اگر بنیه اقتصادی نداشته باشند، خداوند ایشان را از فضل خود غنی و بی‌نیاز می‌سازد. واقعیت این است که مردان پس از پذیرش مسؤلیت ازدواج، همت جدی در زمینه کار کردن و تأمین همسر و فرزند خویش می‌گمارند.

در باب بیست و سوم، تأکید بر تسریع ازدواج دختران شده است.

در باب 52 روایاتی در زمینه استحباب سهل گرفتن ازدواج بیان شده است.

ه) شرع مقدس اسلام در مواردی خاص نیز جهت تأخیر در ازدواج سفارش‌هایی نموده است از جمله:

برخی به امام صادق علیه‌السلام یا امام رضا علیه‌السلام گفتند ما فرزندان خود را در حالی که کوچک هستند به عقد ازدواج دیگری در می‌آوریم. آن حضرت علیه‌السلام فرمودند: اگر در کودکی آنان را همسر دهید، ممکن است الفت و علاقه بین زن و شوهر ایجاد نشود.<sup>(19)</sup>

- در باب 139 "وسائل" نیز روایتی ذکر شده که معصوم علیه‌السلام به مردانی که امکان ازدواج برایشان وجود ندارد، توصیه می‌نماید که روزه بگیرند تا بدین وسیله شهوات جنسی آنان تقلیل یابد.

البته باید توجه داشت تمام این توصیه‌ها ارشادی است.

11- برخی از دست دادن موقعیت تحصیلی و کسب مهارت‌های شغلی و موقعیت اقتصادی دختران را از جمله مضرات ازدواج نوجوانان ذکر کرده‌اند.

یقیناً این امور به دلیل باورهای غلط افراد است. سفارش مکرر در قرآن که مبنای زندگی مشترک باید معاشرت به معروف باشد<sup>(20)</sup> و سفارش و تأکید بسیار شرع مقدس اسلام بر علم‌آموزی، روشن می‌سازد که در فرهنگ اسلامی، ازدواج مانع ادامه تحصیل نخواهد بود. اگر ازدواج را از پیرایه‌هایی که خود بر آن بسته‌ایم، رها سازیم، مشخص می‌گردد که ازدواج

می‌تواند سبب آرامش خاطر شود؛ آرامشی که موجب می‌شود فرد تمرکز بهتری جهت فراگیری علم داشته باشد. مردی که توصیه‌های مکرر خداوند را در امساک به معروف و معاشرت به معروف با همسر خویش نادیده نمی‌گیرد، رشد معنوی را حق زن می‌داند و نه تنها مانع تحصیل او نخواهد شد بلکه مشوق او نیز در این رشد عقلی و ادراکی خواهد بود.

کسب مهارت‌های شغلی نیز ارتباط چندانی با مجرد یا تأهل ندارد. برخی می‌پندارند که شغل تنها به کار خارج از خانه و به مفهوم غربی آن اطلاق می‌شود. غافل از آنکه مبانی فکری ما مسلمانان با آنچه توسط سازمان‌های بین‌الملل ارائه می‌گردد گاه فاصله بسیار دارد. به عنوان نمونه به مطلب کوچکی اشاره می‌شود.

— براساس نظریات آقای *Roge v short* در سال 1985 از نظر احتیاجات جسمی و اجتماعی برای زن قرن 20، تداوم حاملگی و تغذیه از پستان قابل قبول نمی‌باشد. البته این تفکر بسیاری در فرهنگ غربی می‌باشد.

— براساس تفکر اسلامی ما، مادر بودن یک ارزش است که بواسطه آن زن به شرافتی نایل می‌گردد که بهشت در زیر پای او قرار می‌گیرد.

و ....

در تفکر اسلامی ما خانه‌داری شغلی شریف است و زن علاوه بر پذیرش مسؤلیت خانه‌داری، نگهداری و تربیت فرزند، می‌تواند شغل دیگری را نیز انتخاب نماید. البته زن مسلمان ما، همسر و فرزند را قربانی موقعیت شغلی خویش نمی‌نماید.

موقعیت اقتصادی دختران نیز با ازدواج نه تنها به خطر نمی‌افتد بلکه تا حدی نیز تأمین می‌گردد. دختر با ازدواج، مستحق دریافت مهریه و نفقه می‌گردد. به ازای زحماتی که در منزل می‌کشد، می‌تواند از همسر خود اجرت‌المثل دریافت نماید و در صورتی که همسرش از دنیا برود از اموال او ارث می‌برد و نیز می‌تواند از اوقات خویش بهره بیشتری ببرد و شغلی را نیز انتخاب نماید.

12- در صورت احتمال ضرر در ازدواج، می‌توان به تقاضای فردی یا مدعی‌العموم، حکم به معاینه پزشکی دختر داد و در صورت اثبات ضرر، منع قانونی جهت ازدواج قرارداد.

13- از همه مهمتر آنکه اکنون نیز در ثبت ازدواج دختران کمتر از 13 سال منع قانونی وجود دارد و لذا هر چند در قانون مدنی حداقل سن ازدواج، 9 سال می‌باشد ولی عملاً سن ازدواج را 13 سال قرار داده‌ایم.



14- از این امر مهم نباید غفلت کرد که حذف هر ماده یا تبصره مصوب پس از انقلاب اسلامی، بسیاری را به طمع خواهد انداخت تا با فشار تبلیغاتی و فرهنگی روزافزون ما را وادار به حذف سایر مصوبات پس از انقلاب نمایند و قوانین را تا حد ممکن مطابق با قوانین بین‌الملل و بیگانه با احکام دینی قرار دهند.

پیشنهاد نهایی:

ماده 1041 و تبصره ماده 1210 تغییر نکند و (با توجه به منع قانونی در محاضر نسبت به ثبت ازدواج دختران کمتر از 13 سال) تنها یک تبصره به ماده 1041 افزوده شود و آن اینکه هر گاه بنا به تقاضای دختر یا پسر یا نزدیکان و یا حتی مدعی‌العموم (مثلاً معلم مدرسه یا محضر دار که عقد را ثبت می‌کند) احتمال وجود ضرر داده شود، دختر باید به پزشک مراجعه نماید و گواهی آمادگی مزاجت را دریافت نماید. در غیر این صورت سند ثبت ازدواج به عروس یا داماد داده نمی‌شود و اگر دختر در زندگی زناشویی از نظر جسمی زیان ببیند، مرد به پرداخت جریمه ملزم می‌گردد.

نمونه هائی از ضعف دقت در بررسی مطلب (سن بلوغ) مطبوعات

#### 1- مقاله بلوغ - مجله فرزانه دوره دوم شماره 6

- بحث اصلی ... درباره سن تصرف در اموال نیست چرا که تصرف اموال تنها در صورت مشاهده رشد محرز خواهد شد ... بلکه سخن اصلی در این است که آیا سن تملک بر اموال از همان پایان 15 سالگی در پسران و 9 سالگی در دختران است یا می‌باید سن بالاتری را که در آن نوجوان قادر به اداره کانون خانواده خواهد بود ملاک قرار داد؟

(نکته: کودک از بدو تولد مالک اموال خواهد بود این بحث در ارث و یا هبه صراحتاً مطرح شده است)

#### 2- مقاله رساله بلوغ - از کتاب مبانی حقوق در اسلام

- در زن خون حیض است که غذای جنین در رحم می‌گردد.

(نکته: این مطلب کاملاً بدون اساس می‌باشد).

- علاوه بر این، آیا دختر که باید بیش از پسر کسب نیرو کند و قوای او از تمام جهات کامل گردد تا توان حمل و رضاع و حضانت و تربیت فرزندان سالم و قوی را داشته باشد و نیروی جامعه فعال را تأمین نماید. اگر از 9 سالگی او را به روزه، حج و سائر فرائض تکلیف الزام کنیم، چه نیرویی به دست خواهد آورد؟ و آیا اندک نیرویی هم که دارد بر اثر تکالیف

ایجابی از دست نمی‌دهد؟

(نکته: در بیان مطلب جدا افراط شده است. اگر گرفتن روزه یا انجام حج سبب از دست دادن اندک نیرویی که دارد بشود مصداق ضرر بوده و اساساً بر او واجب نمی‌باشد. علاوه بر اینکه آیا دختران بسیاری که تاکنون احتمال ضرر نداده از 9 سالگی روزه گرفته‌اند اکثراً دچار ضرر جسمانی شده‌اند؟ تجربه ما زنان که نسبت به احوال همجنسان خود اطلاع بیشتری داریم خلاف ادعای نویسنده است)

- مسلماً در اسلام حکمی نیست که عقل سلیم صحت و کمال آن را اذعان و تصدیق نکند.

(نکته: حکمت بسیاری از احکام اسلام را عقل ناقص بشری هنوز در نیافته است)

- احادیث نبوی و ولوی بسیار داریم که متواتر معنوی هم هستند و دستور داده‌اند: «هر حدیثی را به قرآن عرضه کنید اگر موافق قرآن است، یا شاهی در قرآن دارد، به آن عمل نمایید و گرنه آن حدیث را به دیوار بزنید که ما نگفته‌ایم»

(نکته: در این روایات بیان نشده که اگر شاهی در قرآن ندارد آنرا به دیوار بزنیم.

آیا روایات امامت دوازده امام علیه‌السلام شاهی در قرآن دارد؟

آیا تعداد رکعات نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء شاهی در قرآن دارد؟

آیا ...

پیر واضح است که بسیاری از احکام جزئی توسط معصومین علیهم‌السلام بیان شده که شاهی در قرآن ندارد ولی معارض با قرآن نیز نمی‌باشد و تمسک به آنان با عنوان ثقل اصغر بر ما لازم است)

- ایشان در حکم به بلوغ دختر 9 ساله و پسر 15 ساله می‌فرماید: آیا وظیفه فقیه این است که سه حدیث مخالف کتاب خدا و مخالف دهها حدیث صحاح و حسان را ترجیح دهد؟! ... در نتیجه حکمی را برخلاف شرع و عقل و فطرت به شارع دین مقدس نسبت دهد؟

(نکته: بیش از بیست روایت سن 9 سال را مطرح می‌نماید.)

- در شرح مراد از روایت بیان شده:

... عن الصادق عليه السلام : ... الجارية مثل ذلك ان اتى لها ثلاث عشرة سنة او حاضت قبل ذلك فقد وجبت عليها الصلوة و جری عليها القلم.

... اما جریان قلم به این معنی است که حسنات و عبادات پسر و دختر بعد از 13 سال در دیوان اعمالشان ثبت می گردد نه سیئاتشان.

(نکته: حسنات و عبادات کودک صغیر نیز در دیوان اعمالشان ثبت می گردد.)

3- مقاله بلوغ از دیدگاه فقهی و کارشناسی - مجله فرزانه دوره دوم شماره 6

- و اذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستأذنوا ... در این آیه نشانه بلوغ، حلم قلمداد شده که به معنای عقل است و با جهش عقلی و فکری توأم است.

(نکته: چگونه حلم به معنای عقل بیان شده است؟)

ایشان در بیان رأی شیخ طوسی می گوید: مرحوم شیخ طوسی بلوغ را به یکی از این سه امر دانسته است: احتلام، کمال عقلی و رویش مو. وی سن را اصلاً لحاظ نکرده است.

نکته: شیخ طوسی در کتاب الصوم مبسوط می فرماید: والمرأة تبلغ عشر سنين - در کتاب حجر مبسوط می فرماید: والبلوغ ... و اما السن ... فی الاناث تسع سنين و روی عشر سنين - در کتاب خلاف می فرماید: و فی الاناث تسع سنين - در کتاب نهاییه می فرماید: حد بلوغ المرأة تسع سنين. علی رغم این همه تأکید بر سن، آیا باز هم ادعای شیخ طوسی، سن را اصلاً لحاظ نکرده است؟

نویسنده روایتی از امام باقر علیه السلام در اثبات این مطلب که سن در وجوب تکالیف نقشی ندارد بیان می کند بدین مضمون: ان الجارية اذا تزوجت ... و لها تسع سنين و ترجمه می نماید: یعنی دختران پس از ازدواج، می توان بر آنان اجرای حدود کرد.

نکته: و لها تسع سنين به چه معنا می باشد؟ چرا در ترجمه، این جمله اصلاً ترجمه نشده و از کلام امام علیه السلام حذف

شده است؟

ایشان نظر صاحب جواهر را در مورد بلوغ بیان می‌کند که: بلوغ، مانند عبادات، امری شرعی نیست بلکه پدیده‌ای طبیعی است که باید از راه لغت و عرف آن را شناخت.

کاش ایشان این جمله صاحب جواهر را نیز ترجمه می‌کردند که فرمود: و اما الانثی فبلوغها کمال تسع علی المشهور بین الاصحاب بل هو الذی استقر علیه المذهب.<sup>(21)</sup>

... ایشان می‌نویسند: ممکن است دوشیزه 9 ساله‌ای که هیچ درکی از بیع و شراء ندارد با طیب خاطر و رضایت کامل گردنبد طلای خود را با اسباب‌بازی مورد پسندش معاوضه کند و در رساله عملیه و قوانین ما این صحیح است چون فروشنده دارای سن قانونی بوده و با رضایت این را انجام داده است.

در جواب ایشان باید گفت هم در رساله عملیه و هم در قوانین ما علاوه بر بلوغ، رشد عقلی در معامله را نیز شرط در معامله کننده می‌دانند.

— ایشان می‌فرماید: در سوئد دختران در بیست سالگی بلوغ جسمی و جنسی پیدا می‌کنند.

نکته: آمار نشانگر آن است که متوسط سن وقوع حیض در سوئد 13/9 سالگی می‌باشد

4- مقاله بلوغ دختران طبیعی یا فقهی

— ماهنامه زنان سال چهارم شماره 25

ایشان می‌گویند: روایات صرفاً برای مردم عصر و مکان خود ارشاداً سالهایی را پیشنهاد کرده است:

— روایات برای شرط تکلیف روزه، عمدتاً قدرت و توانایی را بلوغ دانسته‌اند، چنانکه برای نماز حدی از 8 تا 15 سالگی به نسبت خصوصیات افراد قرار داده‌اند و در غیر نماز، شرط سن پسر تا 18 سال بالا رفته است.

نویسنده سپس نتیجه‌گیری می‌کند: دختر ایرانی از لحظه‌ای که بفهمد نماز چیست و توان فراگیری مسائل نماز و فقه وابسته به آن را داشته باشد برای نماز به بلوغ رسیده است اگر چه سن او از هفت سال نگذشته باشد. برای روزه، حد بلوغ توانایی جسمی است. جمع زیادی از دخترها در سیزده سالگی و برخی در پانزده سالگی توانایی روزه گرفتن دارند. هر

فردی باید به وضعیت جسمی خود بنگرد و همان زمان را بلوغ روزه بداند. حج رفتن دختر ایرانی نیز مثل نماز و روزه است. هر وقت مستطیع بود و شعور و فرهنگ حج در او وجود داشت حج بر او واجب می‌شود.

ایشان در پایان مقاله خود می‌نویسد: قانونگذار ایرانی می‌تواند برای مسائل کیفری شرط سن معین کند. این شرط باید با قوانین فقهی حاکم بر حدود، تعزیرات، قصاص و دیات منطبق باشد. به نظر می‌رسد تعیین شرط سن در این گونه امور کمتر از هجده سال نباشد چنانکه برای ازدواج و طلاق همین اندازه شرط نامعقولی نخواهد بود. نتیجه می‌گیریم تعیین زمان بلوغ و رشد در ماده 1210 قانون مدنی فعلی با قانون اساسی و مدنی ایران و با حقوق بشر انطباق ندارد و قابل اجرا نمی‌باشد. شرط سن در شرع معین نشده و روایات ارشادا برای مردم عصر خود مطالبی یاد کرده است و فقیهان به رأی خود سخن گفته‌اند. فقیه وظیفه ندارد در چنین اموری دخالت کند.

نکته: بنظر می‌رسد مطالب گفته شده نیاز به بحث نداشته باشد تنها توجه به این معنا لازم است که چگونه سعی می‌شود تا قوانین بین‌المللی جایگزین ادله دینی گردد.

— و در برخی مقالات و اظهارنظرهای دیگر در مسائل حقوقی مشاهده می‌شود که نویسنده به استناد رجوع کلام برادر روحانی دانشگاهشان یا نقل از کتابی نه چندان معتبر و تخصصی (فقهی و اجتهادی) به اثبات یا رد موضوعی کاملاً فقهی و استدلالی می‌پردازد که لازم است خوانندگان این نوع مقالات از طریق صحیح و علمی صحت این‌گونه نظرات را بررسی کنند و به اهل فن مراجعه نمایند.

مثلاً نویسنده‌ای به قول خودش در لابلای متون تاریخ اجتماعی به دنبال دلیل برای سن بلوغ و تکلیف برای دختران می‌گردد او نمونه‌هایی از حرص و ولع قدرتمندان و صاحبان زور را برای تصاحب دختران نوجوان ذکر می‌کند و سپس نتیجه می‌گیرد: خانواده‌های دختردار نگران، برای پیشگیری از پیش آمدن این گونه حوادث دردآور و گریز از آبروریزی‌های احتمالی که هر روز از طرف قلدرها بر مردم تحمیل می‌شده اضطراراً چاره‌اندیشی و به یافتن راه‌حلهایی گرچه ناخواسته، متوسل می‌شدند. از جمله این که دختران خود را در سنین پایین با عجله و به قصد ردگم کردن به نام کسی نامزد و نشان کنند تا بتوانند بگویند صاحب دارد ... این کارها در زمان خودش بعنوان اقدامات اضطراری - امنیتی از طرف عقلا پذیرفته شده بود و در عمل هم مؤثر بوده است. بتدریج در کتب پند و اندرز اخلاقی و اجتماعی هم منعکس گردیده ... و از این طریق کم‌کم وارد متون مذهبی و فقهی گردیده و جنبه دستور دینی و فقهی پیدا کرده است ... اکنون به راحتی می‌توان پذیرفت که اوضاع و احوال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر یک جامعه ناآگاه می‌تواند به راحتی رنگ دین به خود بگیرد و حالت دستور دینی پیدا کند و سر از سنت و حدیث و روایت در بیاورد ... ازدواجهای زودرس، آموزشهای زودرس

را هم ضروری می‌ساخته ... و قسمتی از این آموزشها را هم طبیعتاً آموزشهای دینی و عقیدتی تشکیل می‌داده که ضرورتاً در این سالها شروع می‌شده است و من فکر می‌کنم که همین زمان شروع این آموزشها که حدود همان 9 یا 10 سالگی بوده تسامحاً در نسلهای بعد به معنی شروع سن تکلیف دینی گرفته شده و آیندگان کم‌کم چنین پنداشته‌اند که دختر واقعا در این سن خدانشناس و پیغمبر شناس و قیامت شناس می‌شود یا می‌تواند بشود و تکالیف دینی بر او واجب می‌گردد.

جمع‌بندی:

با توجه به آراء مطروحه در مطبوعات به طرح دین‌زدایی از طریق نگرش مجدد در احکام دین با قرائتی جامعه‌شناسانه و منبعث از فرهنگ مادی و الحادی پی‌می‌بریم و مباد آن روز که وسوسه خناسان ما را نیز تحت تأثیر قرار داده و برای جلب قلوب و ... از احکام الهی تزلزل یابیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

- 1- قرآن
- 2- وسائل الشیعه
- 3- مستدرک
- 4- کافی
- 5- تهذیب
- 6- استبصار
- 7- من لا یحضره الفقیه
- 8- تحریر الوسیله

9- رساله‌های عملیه مراجع اخیر

10- بلوغ دختران (مجموعه مقالات) به کوشش مهدی مهریزی

11- مجلات: پیام زن، زن روز، حقوق زنان، پزشکی قانونی، جامعه سالم، روزنامه سلام، اطلاعات

12- قانون مدنی

13- مقالات ارائه شده در سمینارهای مربوط به موضوع

14- ترجمه کنوانسیون حقوق کودک

15- مقالات مربوط به کنفرانس جهانی زن در پکن

16- کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

17- امدادهای غیبی در زندگی بشراستاد مطهری

18- ژینکولوژی اطفال و کودکان

19- بیماریهای زنان نواک

20- گزیده اساسی طب کودکان نلسون

21- آبستنی و زایمان ویلیامز

22- خلاصه روانپزشکی (علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی) کاپلان - سادوک

23- روانشناسی رشد کودک و نوجوان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشتها:

1- برخی فقهاء روایت 10 سال را به معنای اتمام 9 سالگی و ورود در ده سالگی بیان کرده‌اند و گفته‌اند روایت 7 سال نیز بدلیل اشتباه در نقطه‌گذاری برخی روایات به جای لفظ تسع (9)، سبع (7) نوشته شده و در حقیقت همان 9 سال بوده است خصوصاً که در ابتدا کلمات بدون نقطه نوشته می‌شده است.

2- با توجه به نظرات فقهاء از شروع عصر غیبت تاکنون در بیش از 30 کتاب معتبر مشهور فقهی

3- مجله فرزانه - ش 6 - بهار 1374

4- پاراگراف 274

5- زن روز - شماره 1647، پیام زن - اردیبهشت 77

6- آیه‌الله خامنه‌ای فرمودند: واداشتن دختران کم سن و سال به ازدواج، حرکتی در جهت تضعیف زن و نادیده گرفتن حقوق اوست و قانون باید با آن مقابله کند و زنان نیز با آگاهی، هوشیاری و رشد و معرفت خود در مقابل این‌گونه تعدیات بایستند.

7- گزیده اساسی طب کودکان - نلسون

8- کتاب گزیده اساسی طب کودکان - نلسون

9- کتاب خلاصه روانپزشکی (علوم رفتاری - روانپزشکی بالینی) کاپلان - سادوک (چاپ ششم 1991)

10- ژینکولوژی اطفال و نوجوانان - فصل چهارم\*

11- در کشورهای در حال توسعه مرگ و میر مادران جوان 450 در 100000 تولد است حال آنکه در کشورهای توسعه یافته 30 در هر 100000 تولد می‌باشد

The health of young people who/1993

- در هر 1000 تولد در نیجریه 239 مرده‌زایی، در بنگلادش بیش از 200 نوزاد مرده از مادران 15 تا 19 ساله گزارش



شده است در صورتی که در ژاپن در هر 1000 تولد 4 مرده‌زایی بوده است. people The health of young

- در میان کودکان زیر 5 سال که مادرانشان بی‌سواد هستند میزان مرگ و میر 108 در هزار می‌باشد در صورتی که مرگ و میر کودکان مادران با سواد 74 در هزار برآورد شده است. crave Unicef, to be born female is not a

- از نظر علمی نیز محققان بر این عقیده‌اند که در صورت وجود مراقبت‌های مناسب زمان بارداری، تغذیه خوب و حمایت اجتماعی و فقدان بیماری‌های مقاربتی نوجوان حامله باید شیرخوار سالمی را سر وقت وضع حمل نماید.

کتاب گزیده اساسی طب کودکان - نلسون

12- آیا می‌توان دستور داد تا تمامی زنان از 35 سالگی عقیم گردند زیرا احتمال بیماری در نوزادان آنان وجود دارد

13- ماده 1070 قانون مدنی

14- ماده 1043 قانون مدنی

15- مجله پزشکی قانونی شماره 12

16- پیام زن سال 7 شماره 2

17- به نقل از رئیس کمیسیون زنان و خانواده مجلس شورای اسلامی

18- سوره بقره آیه 120

19- وسائل الشیعه، ج 14، باب 46، ص 72، فروع کافی، ج 2، ص 26 سند: محمد بن یعقوب عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان و عن علی بن ابراهیم عن ابیه جمیعا عن ابن ابی عمیر عن هشام بن الحکم

20- سوره بقره آیات 229، 231، 228، 236 سوره نساء آیه 19، سوره طلاق آیه 2 و 6

21- جواهر، ج 26، ص 41